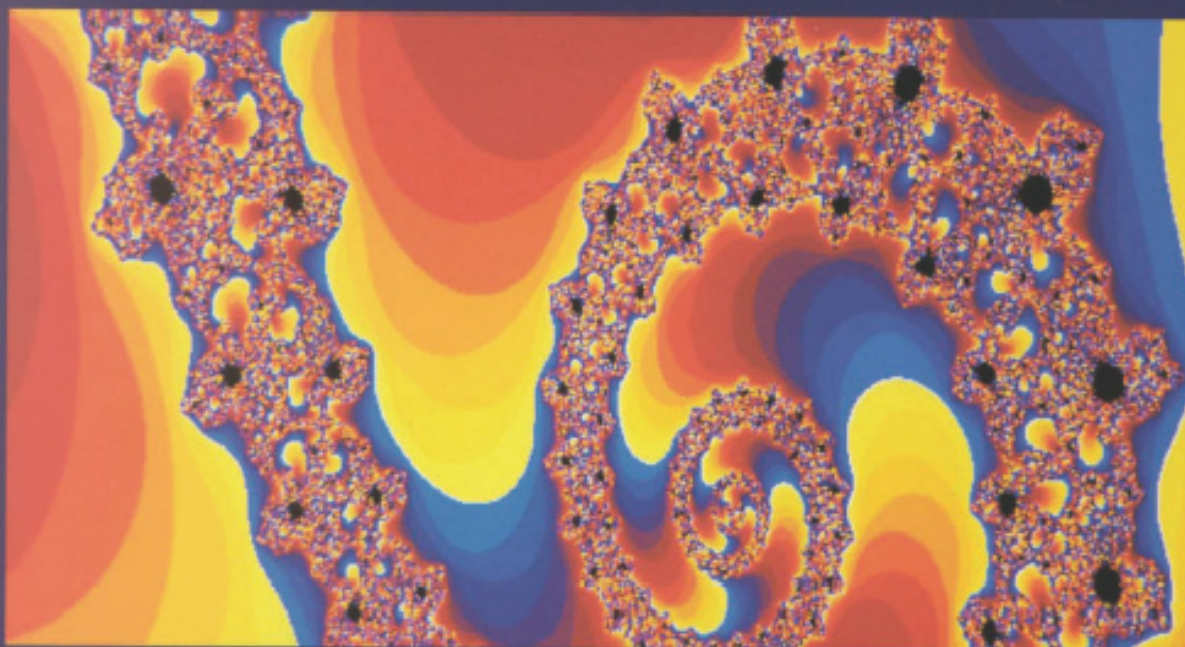




A Wiley Finance Edition

TRADING CHAOS

APPLYING EXPERT TECHNIQUES
TO MAXIMIZE YOUR PROFITS



BILL WILLIAMS, PhD

A MARKETPLACE BOOK

بازنشر: سایت فراچارت

www.farachart.com

Trading chaos

By Bill Williams

روشن ترید بیل ویلیامز

بر مبنای

تئوری ریاضی آشفتگی

سرپرستی مترجمین، هماهنگی و نظارت:

پشوتن مشهوری نژاد

گردآوری، تنظیم و تولید فنی:

حمیدرضا صدقی

WWW.SARMAYE.COM

WWW.SARMAYE.COM

این کتاب در سایت علمی، تخصصی و آموزشی

«سرمایه دات کام»

تهیه و منتشر گردیده است

Applying Expert Techniques to Maximize Your Profits

**بکار بردن تکنیک های حرفه ای ترید
برای کسب بالاترین سودآوری در بازارهای مالی**

گروه مترجمین :

مهرزاد امینی

پشوتن مشهوری نژاد

محسن

حمیدرضا صدقی

روحی

افشین لقمانی

تنظیم و تولید کتاب الکترونیک :

حمیدرضا صدقی

پشوتن مشهوری نژاد

فهرست مطالب

صفحه	مترجم	فصل
۴	پشوتن	مقدمه مترجم
۷	پشوتن	۱ نگاه‌ی به حقایق موجود در تردینگ
	پشوتن، افشین	۲ شناخت بازارها
	پشوتن، امینی، حمید	۳ تئوری چایوز: الگوی جدیدی برای تردینگ
	محسن	۴ شناخت زیرساختهای خود و تأثیر آن بر سودها و ضررهایتان
	حمید	۵ گشت و گذاری در بازارها : نیاز به نقشه های خوب
	روحی	۶ سطح یک : تریدر مبتدی
	پشوتن ، حمید	۷ سطح دو : تریدر مبتدی پیشرفته
	حمید	۸ استفاده از فراکتالها و اهرم
	حمید	۹ سطح سه : تریدر ممتاز
		۱۰ شریک تردینگ سود آور
		۱۱ سطح چهار : تریدر ماهر
		۱۲ سطح پنج : تریدر حرفه ای (ویژه)
		بیوگرافی
		در باره نویسنده
		واژه نامه

توجه:

واژه **Chaos** به معنی «آشفته‌گی»، «اغتشاش» و «آشوب» بوده و تلفظ صحیح آن به صورت «کی آس» می باشد. اما با توجه به اینکه در بین عموم تریدرهای ایرانی، این لغت با تلفظ ظاهراً نادرست «چایوز» مصطلح گشته و به نوعی دارای شناسنامه و هویت نیز شده است. بنابراین ما نیز تصمیم گرفتیم به دلیل احترام به سلیقه مخاطبین خود، و همچنین برای تأکید بر ظرافت نظر و شوخ طبعی ایرانی، در کل این اثر، با همین تلفظ نادرست اما جذاب «چایوز» این واژه را بکار ببریم.

مقدمه مترجم

دوستان عزیزم سلام !

داستان ترجمه این کتاب ، حکایت مثنوی هفتاد من است و روایت هفت خوان رستم. روزی که تصمیم به آغاز ترجمه این کتاب و ارایه آن در سایت سرمایه نمودیم ، هرگز فکر این را نمیکردیم که میزان استقبال و اشتیاق عمومی به حدی رسد که تصمیم به تولید کتاب الکترونیکی و فروش اینترنتی آن بگیریم. و اکنون نیز اگر به حساب بلندپروازی های جوانانه ی ما محسوب نگردد، امیدوار هستیم که روزی موفق به چاپ و انتشار سراسری آن به عنوان یکی از مهمترین و مشهورترین مراجع آموزشی فارکس گردیم. از طرف دیگر تهیه این کتاب همزمان شد با آغاز نهضتی که دوستانمان در حمایت و تشویق مترجمین و مولفین ایرانی در عرصه فارکس ، شروع کرده بودند. نهضتی که اصل را بر شعور و درک بالای فارکس کاران ایرانی میگذارد. و اعتماد و منفعت متقابل را مبنای معادلات خویش قرار میدهد. ما نیز بر آن شدیم تا کتابمان را در همین چارچوب و تحت نظام داوطلبانه «نهضت حمایت از مترجمین ایرانی فارکس» ارایه کنیم، به اینصورت که سایت سرمایه را پایگاه انتشاراتی خویش قرار دهیم و با جذب حمایت های مالی خوانندگانمان ، موفق به گسترش فعالیت ها و خدمات علمی و آموزشی مان گردیم. وانشالله با تکیه بر این حمایت های مالی ، قادر به تهیه و ترجمه سایر کتب و مراجع معتبر و موردنیاز فارکس بشویم.

لذا از کلیه خوانندگان عزیز خواهشمندیم که به هرشکلی که این کتاب را در اختیار گرفته اند ما را در ادامه این مسیر یاری نموده و با واریز کمک های داوطلبانه خود و پرداخت مبلغ اختیاری حداقل ۵ هزار تومان به حسابهای بانکی زیر ، ما را قادر به ادامه فعالیتها و خدمات آموزشی مان نمایند:

۱) بانک سپه - تهران شعبه فلسطین جنوبی کد۲۶۸- شماره حساب ۳۸۱۵۱۱ - بنام پشوتن مشهوری نژاد

۲) بانک سامان - شعبه بورس - شماره حساب ۱-۲۶۵۹۵۱-۸۰۰-۸۴۹ - بنام پشوتن مشهوری نژاد

در پایان اجازه دهید یکبار دیگر از مسولین و مدیران زحمتکش و پرتلاش سایت علمی آموزشی سرمایه که در تمام مراحل ترجمه و تولید کتاب ما را همراهی نموده و هیچگونه حمایتی ما را از ما دریغ نکردند ، کمال تشکر و قدردانی خویش را بجا آورده و موفقیت روزافزون این جوانان عزیز را آرزو کنیم.

لازم به ذکر است که این کتاب به صورت فصل به فصل آماده و منتشر گشته و در حال حاضر این فصل از کتاب حاضر را صرفا بعنوان نمونه و الگویی از کل کتاب ، در اختیار شما خواننده عزیز قرار داده ایم. در صورت تمایل برای در اختیار داشتن سایر فصول کتاب ، شما می توانید پس از واریز حمایت های مالی تان به حسابهای مذکور، شماره فیش خود را به آدرس ایمیل زیر اعلام نمایید تا باقی مطالب کتاب در اسرع وقت برایتان ارسال گردد.

pshootan@yahoo.com

به امید موفقیت روز افزون فارکس کاران ایرانی

وبا آرزوی ارتقای سطح و جایگاه علمی و تخصصی فارکس ایران

A Look at the Current Reality of Trading

فصل ۱

نگاهی به حقایق موجود در تریدینگ

شروع مهمترین قسمت کار است. *Plato*

هدف: شناخت دیدگاه توده تریدرها و تجربه جدیدی نسبت به مارکت

موشکل بازار نیست! موشکل این است که شما بازار را به چشم یک موشکل می بینید!!

یکی بود یکی نبود ... یه روزی مردم دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند با یکدیگر به معامله و مبادله کالاها و محصولاتشان پردازند.

معامله کردن اجناس چیزی نبود که آنها مجبور به تحلیل و آنالیز کردن آن بشوند، معامله کردن ساده ترین کاری بود که آنها بر

مبنای نیازها و احساساتشان به سهولت تصمیم گیری کرده و انجام میدادند.

اگر با ترید کردن مشکلی داشتند از پدرانشان و عموهایشان و برادران بزرگترشان و پیرمردها و ... و خلاصه از هر کس دیگری مشاوره میگرفتند.

در آن زمان آنها همگی تریدرهای حرفه ای بودند و مشاوره هایی هم که از بزرگترها می گرفتند بر مبنای تجربیات واقعی زندگی شان بود.



سپس کم افرادی که دوست دارند همه چیز را پیچیده تر کنند از اواسط قرن بیستم، سر و کله شان پیدا شد.

پس از جنگ جهانی دوم، یک گروه کاملاً جدید و با کلاس به نام تریدرهای حرفه ای پدید آمده بودند.



تریدرهای حرفه ای کسانی بودند که خیلی با کلاس بودند و کت و شلوارهای اتو کشیده داشتند و همه به آنها به دید نوابغ نگاه میکردند. و خلاصه اگر خواستگاری هر ننه قمری می رفتند کسی به آنها نه نمی گفت.

در بین این تریدرها یک گروه خیلی باحال بودند که دور هم جمع شدند و سایت سرمایه را راه انداختند ... آهان ببخشید، امانت داری و این حرفها بعله

.....

در بین این تریدرها گروهی کم کم توجه خود را به مکانیسم های غیر احساسی جلب نمودند و ابزارهایی چون میانگین متحرک ها و استوکاستیک ها و کندل استیک ها و غیره جای همان عقل سلیم و قضاوت احساسی و عام گذشته را گرفت.

این روند ادامه یافت تا زمانی که روزنامه ها و سایت ها و مجلاتی ایجاد شدند که ادعا میکردند که: «ما ۴۰ میلیون دلار در سال گذشته از تجارت فارکس کسب نموده ایم.»

و نرم افزارها و اکسپرت هایی ابداع شد که حتی ۳۰۰۰\$ به فروش می رفت. اما هیچکدام از اینها واقعاً سودآور نبودند و همگی بتدریج کنار گذاشته میشدند. این سیستم ها و تحلیل ها به نتیجه نمی رسیدند زیرا همه آنها سعی میکردند با ابزارهای و فرمول های ایده آل ریاضی به نبرد با دنیایی بپردازند که سرتاسر غیر ایده آل و غیر ریاضی بود: یعنی همان «بازار واقعی The Market»

هم اکنون ما در میانه تحول روانشناختی تریدرهایی هستیم که همه چیز غیر مرتبط با بازار را به این بازار ربط میدهند: از روش های ریاضی گرفته تا تکنیک های NLP و مدیتیشن و هیپنوتیزیم و غیره...!

ترید کردن ماهیتاً زیاد دشوار نیست،

اما وقتی که اساتید ما و حتی ضمیر ناخود آگاه ما آن را بسیار دشوار و پیچیده می پندارد، این باور غلط به ذهن و دیدگاه ما نیز منتقل می شود و ما را به اشتباه می اندازد.

این کتاب تماماً درباره این است که به همان درک ساده و عامه خود باز گردیم که اجداد ما بر مبنای آن به خرید و فروش می پرداختند.

ترید کردن موفقیت آمیز براین مبنا استوار می گردد که:

۱- آگاهی از ساختار زیرین بازار و

۲- آگاهی از ساختار زیرین ذهنی خودمان!

روش کار ذهن و مغز شما است که باعث می شود شما در این بازار، یک برنده و یا یک بازنده باشید.

همان جمله قدیمی که میگوید: «اول خودت را بشناس و سپس سعی کن بازار را بشناسی!»

مشکل ما این است که هنگام ترید کردن به جای آنکه بر مبنای درک و احساس ناب و عام و درونی خودمان عمل کنیم (Common Sense)، که به خوبی این بازار را می شناسد و با مکانیسم های آن آشناست و به جای آنکه از همان روش ساده و کارآمد آباء و اجدادی مان بهره بگیریم، اشتباهاً سعی میکنیم که یک حس تکنولوژیکال را از درون احساساتمان بیرون بکشیم.

ترید کردن لزوماً نباید زیاد دشوار باشد و اتفاقاً خیلی هم سودآور است.

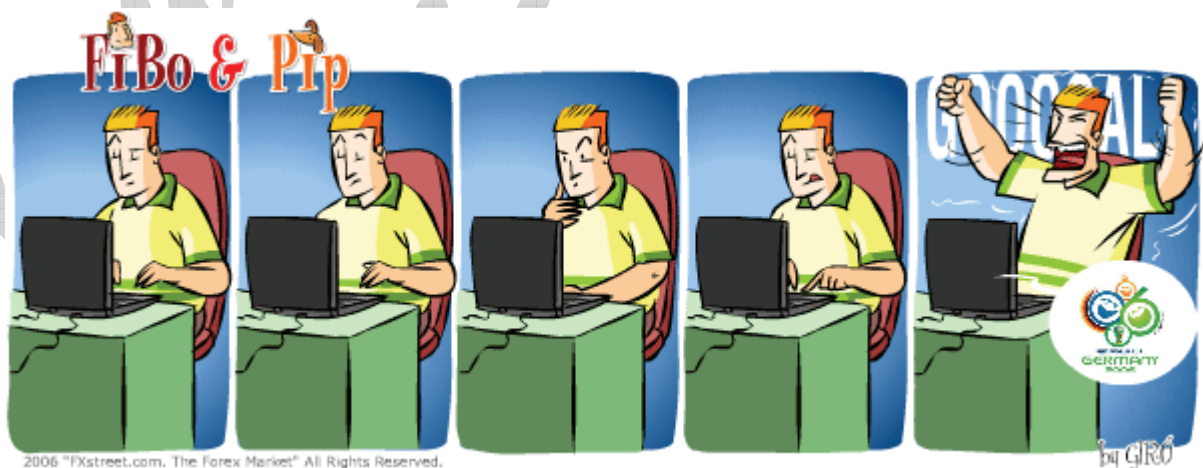
کافی است که بیاموزیم که در ترید کردن صرفاً به خودمان وابسته و متکی باشیم.

شاید شما این را نمیدانید که شما هم اکنون نیز یک تریدر حرفه ای هستید. بله! یک تریدر حرفه ای!

دقیقا مانند من! (منظور من از من نویسنده کتاب است ها! فکر نکنید منظور من است!)

همچنان که شما در این کتاب به پیش می روید و روش و شم سودآوری در معاملاتتان را می آموزید، لذت تریدر بودن را تجربه خواهید کرد! لذت تریدر بودن به جان نگرانی از تریدر بودن! (آخ که چه لذتی داره

...!! ای خدا! یعنی میشه!؟)

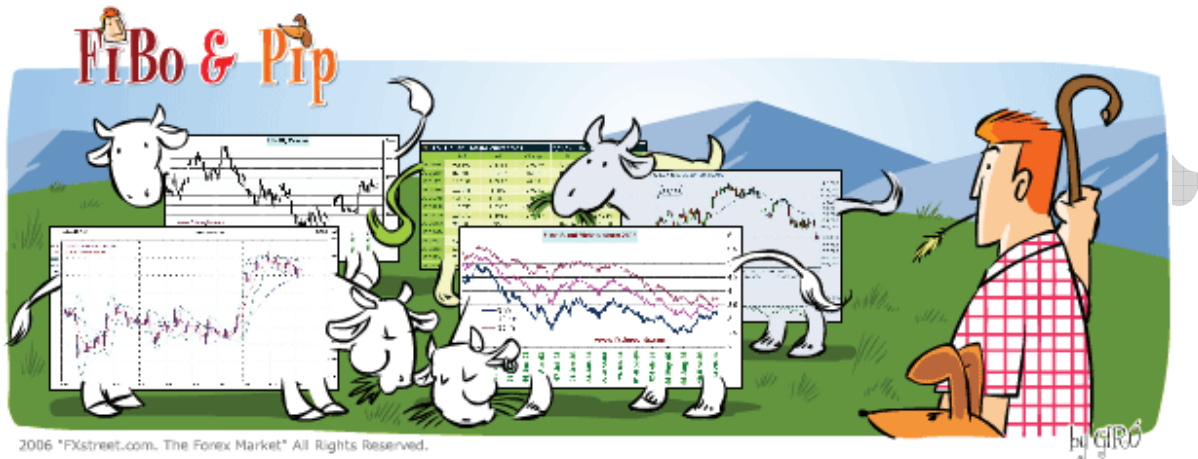


2006 "FXstreet.com. The Forex Market" All Rights Reserved.

by GFR

WHAT ANIMAL MOST TYPIFIES THE MARKET TO YOU?

کدام حیوان بیش از هر چیز شما را به یاد بازار می اندازد؟



ویژگی های بازار سرمایه بیش از هر چیز شما را به یاد خصوصیات کدام حیوان می اندازد؟
پیش از آنکه بقیه مطالب کتاب را بخوانید، لطفاً چند لحظه صبر کنید و پاسخ این سؤال را بدهید: اگر
مارکت یک حیوان بود، کدام حیوان میتوانست باشد؟!

به عبارتی دیگر کدام حیوان به بهترین نحو ویژگیها و خصایص بازار را برای شما تداعی می کند؟ یک سفر
ذهنی کوتاه به باغ وحش داشته باشید و سپس پاسخ خود را روی کاغذ بنویسید.
من از شما جداً میخواهم (من نه ها! اون !! یعنی اون نویسنده!) که پاسخ خود را بنویسید. چون من از شما
میخواهم که تصمیم گیری کنید و انتخاب خود را بنویسید، و سپس یک مفهومی از بازار داشته باشید که
وقتی من آن را شرح می دهم بتوانید آن را به وضوح مجسم کنید.
اکنون که مارکت را در نظر خود به یک حیوان شبیه سازی نمودید، من برخی از سؤالات شما را پیش بینی
می کنم:

۱- چه چیزی در این روش وجود دارد که متفاوت است؟

یک سؤال خوب که به پاسخی مهم منجر میشود.

بگذارید تجربه ای را پیشنهاد کنم که شما می توانید برای خودتان آن را امتحان کنید. با هر کدام از کسانی
که می شناسید که مدتی در بازار سرمایه معامله می کرده و سپس به دلایلی از آن خارج شده است، تماس

بگیرید. معمولاً این افراد نتوانسته اند نهایتاً در این بازار موفق شوند. از ایشان بپرسید که چرا از بازار خارج شده است؟ چه چیزی باعث شده که به سودآوری در این مارکت نرسند؟
من میدانم که او چه پاسخی به شما خواهد داد: «من نتوانستم سود کنم چون من نمیتوانستم بازار را پیش بینی کنم.»

یک چیزی را میدانید؟ هیچ کس نمیتواند!!

هیچ کس در کل دنیا نمی داند لحظه ای دیگر قیمت ها به کدام سمت خواهند رفت! اگر تو فکر میکنی میتوانی بیاموزی که چگونه آینده بازار را واقعاً پیش بینی کنی، تو خودت را از جمع ده درصدی کسانی که در این بازار موفق هستند خارج نموده ای!

این روش، تحلیل فراکتال ها، کاری به پیش بینی وسیع بازار ندارد. تحلیل فراکتال ها یک تصویر بسیار شفافتر و دقیق تر از حرکات قیمت بدست میدهد. در این روش سودآور ما کاری با دسته ها نداریم، ما صرفاً با درصد ها کار داریم.

در حالیکه هر کس دیگری در حال استفاده از تحلیل های تکنیکال و فاندامنتال است، ما اینکار را نمی کنیم. تمام تحلیل های تکنیکال (با عرض شرمندگی از اساتید ارجمند تکنیکال) روی این فرض غلط سوار شده اند که «آینده، مشابه گذشته خواهد بود.»

اگر من در ۳۵ سال گذشته ی ترید کردم فقط یک چیز را آموخته باشم، آن این است که «اتفاقاً آینده اصلاً هم شبیه به گذشته نیست!»

در دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ تریدرها صرفاً با یک میانگین متحرک ۱۰ روزه ترید می کردند. این روش را امروزه امتحان کنید، و ببینید چه ضرر هنگفتی کسب خواهید نمود!

۲- چه رازی در پشت موفقیت با روش سودآور معرفی شده در این کتاب نهفته است؟

بهترین رازی که در دنیای ترید پنهان شده است این است که: معمولاً هیچ چیزی برطبق انتظار پیش نخواهد رفت! حتی بهترین پلن های تریدینگ نیز اغلب به خطا خواهند رفت.

توجه کنید که من نمی گویم «برخی مواقع»، و یا «ندرتاً»، بلکه تاکید میکنم: «معمولاً» و حتی «عموماً»!

اغلب تریدرها هرگز این راز را کشف نمیکنند، این چیزی نیست که آنها دوست داشته باشند که بشنوند. تریدرهای بازنده در جستجوی روشی مطمئن و قابل اتکا هستند.

آنها به دنبال یک سیستم ایده آل هستند، یک مشاور، یک اکسپرت، و یا یک اندیکاتور که آنها بتوانند با قطعیت روی آن حساب کنند، تا به ایشان بگویند که چه وقت چه کاری را باید انجام دهند.

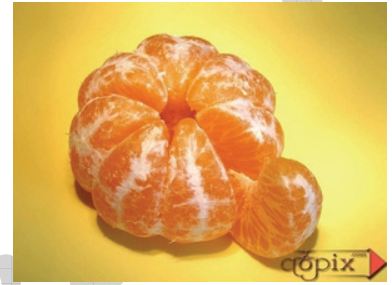
و هرچه در این سیستم ها اطمینان و اعتبار کمتری مشاهده میکنند،

بیشتر به جستجوی یک سیستم مطمئن و قابل اتکای دیگر می پردازند.

SOME UNPOPULAR TRUTHS: A TYPICAL SCENARIO

برخی حقایق غیر مصطلح: یک سناریوی رایج

زندگی یک تریدر اغلب مملو است از تلاش ها و شروع های پی در پی ای که سرانجام به موفقیت ختم نشده اند. اغلب تریدرها روزانه بارها امیدوار می شوند که دیگر چیزی تا نایل شدن به موفقیت نهایی باقی نمانده است! آنها مطمئن هستند که چند قدمی بیشتر تا پیروزی نهایی فاصله ندارند!!



بگذارید به داستان تیپیکال یک تریدر پردازیم و ببینید که این داستان تا چه حد با تجربیات شخصی خودتان همخوانی دارد. اگر شما قبلاً یک تریدر نبوده اید، بگذارید به شما اطمینان دهم که به احتمال قریب به یقین شما نیز چنین تجربیات مشابهی را خواهید داشت. اگر بخواهید تریدینگ را با استفاده از ابزارهای تحلیل تکنیکال و فاندمنتال انجام دهید.

شما جذب بازار سرمایه شدید با این فکر که:
«به سرعت سرمایه بسیاری کسب کنید و بدون آنکه مجبور باشید کار زیادی برای آن صرف نمایید.»

به احتمال زیاد توجه شما به بازار سرمایه به این صورت جلب شده است که شنیده اید یکی از دوستانتان موفق شده پول فراوانی از این بازار بدست بیاورد. دوست و آشنای شما - یا بروکر یا کارگزاران - مرتباً برایتان از معاملاتی سخن گفته که به یک سود مناسبی منجر شده است. قاعدتاً شما هرگز چیزی از معاملات ضررده ایشان نشنیده اید.

هنگامی که شما از وی درباره جزئیات معاملاتش پرسیده اید، دوست شما برایتان درباره ترید کردن روی طلا یا بورس یا فارکس سخن گفته است، هر کدام که در آن زمان داغ تر بوده است .

نتیجه قاطع آن چنین خواهد بود که «این سیستم عالی است و این روش فوق العاده است و واقعاً کار میکند!!»

سپس، بعد از آنکه کمی بیشتر با هم صحبت کرده اید، دوست شما برایتان درباره تعداد بیشتری از معاملات سودآور خود گفته است: یک معامله که صرفاً ظرف ۴ روز به اندازه بیش از 70 درصد کل سرمایه اش، برایش سودآوری داشته است.

معامله دیگری که طلا را در روزهای پایانی هفته sell کرده است و چه سود فراوانی بدست آورده. دوست شما بسیار محکم سخن میگوید، کاملاً مطمئن و سرشار از موفقیت. آنقدر لحن قاطعی دارد که شما با خود تصور میکنید که در حال شنیدن حقایق قطعی هستید و هرچه او میگوید جز عین حقیقت نیست و نخواهد بود.

در پایان شما نمیتوانید بیش از این انتظار بکشید. صبرتان سر می رود، شما تشنه چنین موفقیتی هستید، بنابراین تمام سهامتان را جمع میکنید تا از او درخواست کنید که: آیا میتواند در برخی از تریدهای بعدی اش شما را نیز در جریان بگذارد تا هر چه او گفت شما نیز عیناً انجام دهید؟ و صرفاً در تعداد کمی از سودهای سرشارش شریک گردید؟!

دوست شما نیز سخاوتمندانه قبول میکند که تا در برخی از معاملات آتی اش شما را نیز به موقع در جریان بگذارد.

و شما آغاز میکنید به رویا دیدن که چقدر زود ثروتمند خواهید شد!! شما در اولین معامله خود واقعاً مقداری سود می کنید، دومین معامله خود را روی سهامی انجام میدهید که ظرف ۶ هفته دوبرابر میشود، و حتی شاید کمی بهتر!

رویای ثروتمند شدن شما در حال رخ دادن در زندگی واقعی تان است و در حساب بانکی واقعی تان است! (بانک پارسیان با سود سپرده گذاری کوتاه مدت ۱۴٪ و سود شش ماهه ویژه ۱۷٪ آماده سپرده گذاری سرمایه های شما در خوابها و رویاهای تان است)



با خود فکر میکنید که شاید اکنون زمانی است که باید کم کم به فکر خرید همان اتومبیل شخصی ای باشید که همواره رویای آن را در سر داشتید! اما نه! بهتر است پول های خود را از بین نبرده و به فکر خرید یک منزل مناسب در یکی از برجهای شمال شهر تهران باشید!

اما ناگهان معامله بعدی شما با یک ضرر هنگفت مواجه میشود و معامله بعدی نیز معامله ای مصیبت بار میگردد. شاید بهتر باشد که رویای خود را موقتاً کمی به تاخیر بیندازید...

هنگامی که شما از دوست نابغه خود سؤال میکنید که چه اتفاقی افتاده است؟

وی با آرامش پاسخ خواهد داد که: « این صرفاً یک رکود موقت است. و چنین رکودهایی مرتباً در بازار سرمایه رخ می دهند! بازار مملو از فراز و نشیب است»

شما با خود میگویید راست میگوید، اگر قرار بود قیمتها تغییر نکنند و پایین و بالا نروند که اصلاً مارکتی به وجود نمی آمد تا ما بتوانیم از آن سود بگیریم.

اما متأسفانه روند ضررهای شما ادامه میابد. و سرانجام شما باید آبچین خود را پرتاب کنید از بیرون و رو به داخل، و پیش از آنکه زوجه ی شما، زن صیغه ای شما، جهنم را برایتان بدهد!!!!

(عجب ترجمه ای کردم ها؟! احتمالاً باید یک ضرب المثل چینی ای، یونانی، مکزیکی، .. چیزی باید باشد! برای دوستان علاقمند به ترجمه، متن اصلی آن را نیز می نویسم:

Finally you have to throw in the towel before your spouse gives you hell.

اگر راست میگویید، خودتان ترجمه بفرمایید!)

به هر حال دوست شما یک حرفه ای است، و او به ترید کردن خود ادامه میدهد، و به همان خوبی قبل زندگی خود را ادامه میدهد.

اکنون اگر چه شما ضررهایی کسب نموده اید، اما شما همچنین مزه سود کردن را نیز پشمیده اید (بخشید، چشیده اید!). شما باور دارید که کسب سودهای کلان از این بازار شدنی است و آسان است. و البته قبول کرده اید که شاید خیلی هم آسان نباشد، اما بهر حال کاملاً ممکن و شدنی است...

توضیح از دوست خوبمان جناب **wind** عزیز:

***Finally you have to throw in the towel before your spouse gives you hell
throw in the towel***

یعنی تسلیم شدن. معنی جمله: در نهایت قبل از اینکه شریک زندگی شما دنیا را برایتان جهنم کند شما مجبورید تسلیم شوید.

پرتاب کردن حوله بمعنی تسلیم شدن است که این اصطلاح از مسابقات ورزشی مثل بوکس گرفته شده است که در آن پرتاب کردن حوله بداخل رینگ از طرف مربی (قبل از آنکه بازیکن له و لورده شود) بمعنی **give up** است.

سپس شما به سراغ روزنامه ها و مجلات بورس و فارکس می روید، « دنیای اقتصاد، ابرار اقتصادی» گزارش ها و تفسیر های بروکرها و کارگزارها را می خوانید، برنامه ها و کانالهای تلویزیونی ویژه بازار سرمایه را می بینید (لابد کانال ماهواره ای بلومبرگ!!).

و کم کم متوجه می شوید که تمام مدت در حال فکر کردن درباره بازار هستید، حتی زمانی که باید تمرکزتان بروی کار دیگری باشد!

سپس شما دل به دریا می زنید و بی آنکه به دوست تان بگویید، خودتان یک معامله کوچک انجام می دهید. بعد می بینید که اتفاقاً نتیجه کارتان بهتر از آن زمانی شده است که صرفاً به دستورات دوست تان، کورکورانه عمل می کردید. اما شما میدانید که هنوز خیلی چیزها را باید بخوانید و بیاموزید.



بنابراین هنگامی که یک آگهی تبلیغاتی درباره برگزاری سمینار «آشنایی با بازار سرمایه» به دستتان می‌رسد، با کمال میل در آن شرکت می‌کنید. در آن آگهی چنین نوشته شده که شما با شرکت در این سمینار، پاسخ تمام سئوالات خود را خواهید یافت و تبدیل به «بهترین تریدر ماه» خواهید شد! و اسامی تعداد زیادی بعنوان سخنرانان، در این سمینار نام برده شده است. با این همه سخنران حتماً باید سمینار بسیار جالب و مفیدی باشد و حتماً بالاخره بین این همه سخنران،

پاسخ سئوالات و مشکلات خود را خواهید یافت. پس شما در این سمینار نام نویسی می‌کنید.

اولین سخنران به شما نشان میدهد که چگونه باید نقاط مهم و تغییر جهت های بزرگ بازار را پیدا کنید. او (و؟! خدا مرگم بده! نوشته!! She: مگه تریدر خانم هم داریم؟!)) او چارت هایی را نمایش میدهد که در آنها مشخص کرده که چگونه سودهای فراوانی را از توی شکم چارت بیرون کشیده است! او نشان میدهد که چگونه در کندل ۸۷ ام وارد بازار شده است و سپس سود خود را قدم به قدم گسترش داده تا نهایتاً در در کندل ۸۹ ام از بازار خارج گردیده ... شما با خود میگویید: خدای من! او (یعنی همان خواهرمان She) تکنیک دنبال کردن قیمت اش فوق العاده است!

به چه زیبایی (خودش نه ها! روش اش!!) و با چه خونسردی (روش اش نه ها! خودش!!) توانسته بازار را قدم به قدم دنبال کرده و سود خود را بتدریج گسترش داده و ... و کاملاً به موقع با گرفتن حداکثر سود ممکن، از بازار خارج شده است! هی به موقع وارد شده ... و هی به موقع خارج شده!!

سخنران بعدی یک تحلیلگر الیوت است.

او به شما اطمینان می‌دهد که یک موج صعودی بسیار بزرگ در آینده بسیار نزدیک در راه است! او به جان مادرش قسم می‌خورد که موج های اول و دوم الیوت سپری شده اند و اکنون نوبت فرا رسیدن موج عظیم شماره سه است! اما برای آنکه شما بتوانید زمانبندی دقیق لازم برای ورود به بازار را متوجه شوید، ابتدا باید عضو سایت، مجله، روزنامه و یا گروه وی شوید. تا به وسیله فاکس یا ایمیل یا تلفن، در لحظه موعود، شما را از آغاز این موج عظیم صعودی آگاه کند.

شما با خود فکر میکنید که این مبلغ، حق عضویت نسبتاً قابل توجهی است، اما به سرعت خود را قانع می کنید که چه اهمیتی دارد؟! شما بزودی پولدار خواهید شد و این مبالغ برایتان ارقام ناچیزی خواهند بود! شما به تمام سودهایی فکر میکنید که این تحلیلگر تاکنون کسب نموده است، و با خود می گویند که: عجب آدم بیستی است (بیست به انگلیسی یعنی خیلی توپ!!) این داداش میخواهد تمام سودهای کلان خود را با من شریک شود. بابا ایول!!! ...

سومین سخنران یک تریدر فوق حرفه ای و بسیار معروف از وال استریت ژورنال است (مثلا شما فرض کنید وال استریت ژورنال یه چیزی است تو مایه های همین سایت سرمایه خودمان! اون تریدر فوق حرفه ای هم لابد همین چایوز است!!)

این دیگر یک تریدر واقعی است که قبلاً مهارت و تخصص اش به همه اثبات شده!! تمام تریدها و پیش بینی های قبلی اش به طور مستند در مجلات (یعنی در سایت سرمایه) موجود هستند.

وای خدای من! او یک ساعت رولکس به مچش بسته و یک کت گرانتیتم ارمنی پوشیده است. (معلوم شد! پس حتما خود خود چایوز خودمان است! مخصوصاً اگر عینک ریبن هم زده باشد!!)

خلاصه اینکه شما سرانجام حق عضویت خود را می پردازید و مشترک مجلات و گزارش ها و تحلیل های آنها می شوید. آنها به شما می گویند که حالا این را بخر و فردا آن را بفروش. شما منطق برخی از این پیش گویی ها را متوجه نمی شوید - چون اصلاً با مطالبی که در سمینار بیان کردند همخوانی ندارد - اما شما بهر حال آن معاملات را انجام می دهید. میدانید چرا؟ چون مطلقاً نمیخواهید هیچ شانس را از دست بدهید.

بسیاری از معاملات پیشنهادی ایشان به خوبی سود میکنند، لاقلاً آنقدر سود خوبی هست که شما معاملات ضررده لا به لای آنها را نیز تحمل کنید و اطمینان خود را به گوروی!!! خود از دست ندهید. (راستی کسی میداند این گورو دیگر چه صیغه ای است؟! لغت اصلی GURU بوده است؟ جناب Wind عزیز بدادم برس...!!?) سرانجام روز حساس فرا می رسد! فاکسی یا ایمیلی برایتان می رسد که با حروف بزرگ فریاد زده است:



2006 "FXstreet.com. The Forex Market" All Rights Reserved.

This is it—the big one!

بزرگترین شانس امسال را از دست ندهید!!

سرانجام موقعیت فوق العاده از راه رسید!!!

پیشنهاد اینبارشان، غیرقابل مقاومت است:

«این آخرین شانس شماست! مثلاً فلان سهم را در فلان قیمت بخرید و یا یورو دلار را در فلان قیمت بای کنید.

هر چه در بانک پس انداز دارید بیرون بکشید، خانه خود را در گرو بانک

بگذارید و وام بگیرید، تمام سهم ها و حق تقدم های قدیمی خود را بفروشید،

و خلاصه هر آنچه را که می توانید بیرون بکشید، بروی این معامله سرمایه گذاری کنید! مبادا این فرصت رویایی را از دست بدهید!!»

و یا شاید عبارات و کلمات مشابه دیگری با همین مضمون و یا حتی با تأثیرگذاری ای بیشتر.

شما کمی عصبی و نروس (nervous) می شوید،

اما می دانید که در این بازار باید ریسک پذیر و فرصت طلب باشید تا قادر به کسب سودهای کلان شوید. پس تمام سرمایه گذاری های دیگر خود را کنسل می کنید، (فیش های موبایلتان را زیر قیمت رد می کنید، به کریمخان می روید و سکه هایی را که مادرزنتان داده بود یواشکی آب می کنید) و خلاصه سرمایه خوبی را آماده می کنید.

خانه خود را در گرو رهن بانک می گذارید و یک وام بانکی میگیری (نه بابا؟! مثل اینکه این رفیق نویسنده مون دیگه خیلی زیادی شوته!! بازهم صد رحمت به شوت های مدل ایرونی خودمون!) و پیش از آنکه زیاد دیر شود، خرید خود را انجام داده و وارد این معامله ی رویایی می گردید. اما.....

...اما قیمت به جای بالا رفتن، آغاز به پایین آمدن می کند. (اوخ! اوخ! نقطه حساس تداعی خاطرات بدنم بدجوری درد گرفت!!)

شما با گوروی خود(!) تماس می گیرید تا با او مشورت کنید و مطمئن شوید که درست عمل کرده اید. اما او به شما می گوید: «چرا نگرانی؟! اتفاقاً شرایط فوق العاده است! این دقیقاً همان چیزی است که همه ما آرزویش را داشتیم! بهترین شانس و موقعیت برای اینکه اکنون با خرید بیشتر بر حجم معامله مان بیافزاییم. ما خرید بیشتری می کنیم و در قیمت پایین تر!»

(همان جمله معروفی که در بورس زیاد میشنیدیم که: اکنون تازه قیمت ارزنده تر شده است! و یا الان قیمت به کف رسیده و بهترین موقع خرید بیشتر است!!)



قبلاً نیز حلقه این زنجیر به اندازه کافی برای شما تنگ شده بود، شما قبلاً هر آنچه در توانتان بوده، تا خرخره، خرید کرده اید. دیگر پول چندانی در کف شما نمانده که بخواهید با آن خرید پله ای کنید... قیمت به روند نزولی خود ادامه می دهد و شما کفگیرتان به ته دیگ می خورد. به سرمایه بیشتری احتیاج پیدا می کنید.

شما سایر سرمایه های باقیمانده خود را جمع و جور می کنید و آخرین طلب های خود را از چایوز و دارو دسته اش پس می گیرید تا بتوانید به حیات خود در این بازار ادامه دهید.

یاس و ناامیدی به تدریج به سراغتان می آید، مرتب با خودتان می اندیشید که: با این سرمایه بسیار اندکی که برایم باقی مانده، چه خاکی می توانم بر سرم بریزم؟! آهای چایوز... کجایی که خدا بکشدت!!

شما با خود می اندیشید که شاید اصلاً منظور مشاور خود را از ابتدا به اشتباه متوجه شده بودید. و یا شاید دستورالعمل هایش را به خوبی اجرا نکرده اید؟ اما او یک تریدر حرفه ای معروف است، پس حتماً خودش خوب می داند که دارد چه میکند!

جالب اینجاست که ایشان باز هم در مجلات و گزارش های بعدی خود مرتب مطلب می نویسند و اینطور میگویند که «اعضاء و مشترکین ما شدیداً در حال سود بردن هستند و چقدر از تحلیل ها و توصیه های ما راضی اند!»

بنابراین شما با خود می اندیشید که لابد مقصر خودتان بوده اید و شاید کمی زود و بی موقع وارد بازار شده اید.



شما خیلی عصبی شده اید و باقی ماندن بروی استراتژی بیان شده در سمینار برایتان غیر قابل تحمل شده است.

شما کتابهای بیشتری را تهیه کرده و مطالعه می کنید

که شامل «آشنایی با بازار سرمایه» و «آخرین راهنمای بازارهای مالی» و غیره هستند ...

مثالهای فراوانی در این کتابها ارایه شده است که همگی تأکید کرده اند که تریدر ها هنگامی ضرر میکنند که طرح و نقشه قبلی برای استراتژی معاملاتشان نداشته باشند،

هنگامی که تریدر مرتباً از یک ترید به تریدی دیگر بپرد، بدون آنکه نقشه و استراتژی معینی برای تعیین نقاط ورود و خروج خود داشته باشند.

باخود خواهید گفت:

حتماً مشکل من همین است!

من باید سیستم و نقشه مشخصی برای خودم پیدا کنم. سرانجام شما استراتژی ای را پیدا میکنید که طرفداران آن معتقدند به مدت ۱۵ سال است که بازده خالص آن بالای ۳۰+ درصد بوده است. شما اینبار دیگر مطمئن خواهید بود که از چنین روشی، حتماً سود بسیاری بدست خواهید آورد.

خوب! شما شروع به کار میکنید، اما به محض آنکه شروع به استفاده از این استراتژی می کنید، این روش اولین سال ضرردهی خود را آغاز می کند! عجب تجربه ی نادری؟! شما همچنان ترید کردن را ادامه میدهید. باخود میگویید: خداوندا! در طول روز میلیونها دلار پول در این بازار جابجا میشود، اما من صرفاً به مقدار بسیار اندکی از این پول قانع هستم!! خداوندا! بارالهی! هیچ فارکسبازی را چشم انتظار نگه ندار!! الهی آمین...

شما درباره نقاط بازگشت و بحرانی بازار خواهید آموخت، نقاطی که می توانند سود فراوانی را برای ترید کنندگان به ارمغان بیاورند، درعین حال که حد ضرری بسیار کوچک را به تریدر تحمیل می کنند.

شما چنین تصور می کنید که اکنون دیگر بسیار مسلط تر و باتجربه تر شده اید. در سایت سرمایه چند تایپیک می زنید و شروع به ترجمه کتاب Trading Chaos می پردازید و دوستانتان با تشویق های گرم خود شما را شدیداً شرمنده میکنند!! با خود فکر میکنید: من دیگر یک تریدر حرفه ای شده ام و باید بسیار محتاط باشم. بنابراین از این به بعد صرفاً با استراتژی هایی کار می کنم که قبلاً نتایج آنها را به صورت کاملاً مستند و مکتوب مشاهده کرده باشم و کاملاً برایم قابل اطمینان باشند. سپس شما به کلپ ۳۰۰۰ می پیوندید (لابد همان مشابه خارجی سایت سرمایه خودمان!) تا دانش و تجربیات گهربار خود را با دیگر تریدرهای بازنده و متضرر و ساده لوح بازار، درمیان بگذارید و برای آنان دلسوزی نمایید.

توضیح از دوست خوبمان جناب **Drmajid**:

Guru به معنای معلم می باشد در اصل در زبان هندوها به معلم مذهبی شهرت یافته و در زبان انگلیسی به کسی میگویند که متخصص بوده و دیگران را راهنمایی و ارشاد میکند.

توضیح کامل دیگری از جناب رامین آیت عزیز:

گورو را در بازار های مالی می توان پیشوا ترجمه کرد.

معنی آن کسی است که قبلا با پیش بینی های جنجالی خود و بزرگ نمائی سود های حاصله شهرتی کسب کرده و عده ای در معاملات خود از او پیروی می کنند. در حالی که معمولا عمده درآمد گورو به جای آنکه از سود معاملات خودش باشد از درآمد حاصل از خدماتی است که به دیگران می دهد. دیگران در اینجا می توانند سرمایه گذار ها و هم کسانی باشند که سهامشان را با غوغا سالاری گورو به خلق ا.. قالب می کنند.

این هم توضیح دوست عزیزمان **Viper**:

Guru میشه **mentor** !

شاید استاد یا مرشد هم ترجمه خوبی باشند.



THE SEESAW

الاكلنگ!!

با گذشت زمان، به تدریج شما دقیق تر و محتاط تر شده اید و بروی تریده‌های خود تسلط بیشتری احساس می کنید. تنها مشکل شما این است که هنوز به یک سودآوری مداوم از بازار نرسیده اید.



شما بر الاكلنگ از سودها و ضرر ها سوار هستید!
تنها چیزی که در تمام معاملات شما تداوم دارد، کارمزدها و کمیسیون هایی است که دائماً می پردازید!
راهی را که طی کرده اید موجب شده تا به این نتیجه گیری برسید که:
حساب کردن روی تکنیک ها و تحلیل های دیگران و به ویژه اندیکاتورهای خائن (!) کار عبثی بیش نیست!
راهی وجود ندارد که بتوان از بین آنها خوب را از بد، و قابل اعتماد را از غیرقابل اعتماد تشخیص داد.
معلوم نیست کدام روش درست است و کدام غلط ... ؟
و به کدام مشاور میتوان اتکا کرد و به کدام نمی توان؟
از بین تمام کسانی که خود را استاد و متخصص می نامند، معلوم نیست کدامیک قابل اعتمادند و کدامیک غیرقابل اعتماد و حتی کلاش!
شما مطمئن شده اید که در این بازار، تعداد کلاه برداران در هر متر مربع (!!) بسیار بیشتر از تمام کلاه برداران کل مافیا خواهد بود!
حتی کم کم دارید به این نتیجه گیری نهایی می رسید که شاید اصلاً شما بدرد این کار نمی خورید؟
اما هنوز ترجیح می دهید که به جای آنکه پولهای خود را در بانک بگذارید در جایی سرمایه گذاری کنید که سودآوری بیشتری برایتان داشته باشد.
بنابراین تصمیم می گیرید که اینبار به یک باشگاه تریدینگ (TRADING POOL) بروید.

مترجم (یعنی فود!) :

توجه کنید که نویسنده (یعنی فودش!) از لغت **pool** استفاده کرده که من آن را به باشگاه ترجمه کردم .
و معانی دیگر آن آموزشگاه و یا دوره های تمصیلات تکمیلی است .

ولی طبق توضیحاتی که نویسنده (یعنی فود... نه بیفشید : فودش!!) ارائه کرده و من ترجمه نکردم به نظر می رسد **pool** یک جور باشگاهی است که اعضای آن به نوعی هماهنگ با یکدیگر ترید میکنند .

و متی شاید در پایان سال کل سود حاصله باشگاه را نیز بین کل اعضای گروه فود تقسیم می کنند، زیرا نویسنده از میانگین سود و ضرر سالیانه باشگاه سخن می گوید و متی توصیه می کند که چون ریسک کمتری دارد، بهتر از مجلات و مراکزی است که صرفاً پیشگویی بازار و فروش فورکاست می کنند.

فلاصه واضح و مبهرن است که در آنسوی آنها با توجه به سابقه دهها ساله بازارهای مدرن مالی، انواع و اقسام سازمانها و مراکز خدماتی اینچنینی پدید آمده اند که هر یک به نوعی قربان صدقه سرمایه گزاران می روند (یعنی فودمان!)

متی یکی از دوستانه اینطور میگفت که در آمریکا، بروکرها و کارگزاران با یکدیگر رقابت میکنند که تو رو بفدا با ما کار کنید ما قول می دهیم که شما را بیشتر از بقیه ثروتمند می کنیم!

و درواقع نیز تمام سعی شان در این است که تریدرهای آمریکایی سود بیشتری را از بازار کسب کنند، چون بروکرها ، سود و بقای فود را در کسب سود و بقای تریدرهایشان می بینند .

مالا اگر هر یک از دوستان عزیزمان هستند که درباره این باشگاه های مشکوک **pool** اطلاعات کاملتری دارند ممنون می شوم بفرمایند تا هم استفاده نمایم هم کمی دلمان بسوزد !

سرانجام شما تصمیم می گیرید که عضویت در باشگاه ها را انتخاب کنید زیرا به نظر می رسد در یک «باشگاه تریدینگ» ریسک کمتری متوجه شما خواهد بود و همچنین به اساتید و مشاورین لایق تری نیز دسترسی خواهید داشت .

شما از بین مجموعه ای از باشگاه های مختلف، یکی را که فکر میکنید هم از بقیه مطمئن تر است و هم سوابق و نتایج درخشان تری در گذشته داشته است را، انتخاب می کنید.

سایت ها و مجلات مشاوره ای و مراکز ارایه دهنده پیش بینی و فورکاست ممکن است در نتایج و سوابق گذشته اعضای خود بزرگنمایی و اغراق کنند، ولی در عوض باشگاه ها، نتایج معتبرتر و واقعی تری دارند. اما باز هم متأسفانه، وضعیت اقتصادی مملکت کلاً دچار رکود می شود، و تب تند بازار فرو می نشیند، و باشگاه ها نیز دچار افول می شوند. به نظر می رسد این اولین سالی است که چنین رکودی برایشان رخ داده است.

این اولین سال ضرر دهی باشگاه شما در ده سال گذشته است!

بنابراین شما مجدداً بخاطر می آورید که این فقط خودتان هستید که باید بعنوان یک تریدر، مسئولیت معاملاتتان را بعهده بگیرید، و فقط خودتان باید به تنهایی معاملاتتان را انجام دهید! هیچ کس دیگری نمیتواند به جای شما، این مسئولیت را بعهده گرفته و الاکلنگ سودها و ضررهایتان را بالا و پایین ببرد.

شما به این نتیجه می رسید که هیچ کسی به اندازه خودتان دلش برای سرمایه شما نمی سوزد، و کسی هم پیدا نمی شود که مسئولیت پذیری لازم و کافی را روی سرمایه و پولهای شما داشته باشد، پس بهترین کار همان است که خودتان - و صرفاً خودتان - افسار معاملات خود را به طور کامل در دست خود بگیرید.

(یعنی همون کاری که اساتید عزیزمان در همین سایت همواره منجره شان را پاره می کنند تا من و شما یاد بگیریم و یک وقت فراموشمان نشود!)
... راستی ... بازهم شک کردم ؟ منجره شان را پاره می کنند... یا منجره شان را !!؟

توجه : ادامه مطالب را از دست ندهید که تازه کتاب می خواهد وارد راه حل های پولدار شدن بشود!!!

توضیح از جناب **Aliii878** :

سلام

با تشکر از کار زیباتون..

pool معنی سرمایه گذاری های اشتراکی یا شریکی رو هم می دهد.

توضیح دوست عزیزم **Viper** :

جناب پشوتن سلام.

Trading pool فکر می کنم یک لغت مشابهی باشه برای **mutual fund** .

شما در یک موسسه سرمایه گذاری میکنید و آنها از طرف شما مجموعه ای از سهام را خریداری می کنند و به نسبت سرمایه گذاری شما سود پرداخت میکنند.

در واقع از طریق تشکیل سبد سهام ریسک کاهش پیدا می کند. کمکش به سرمایه گذار جزء در اینه که ممکن است سبد به قدری بزرگ باشه که سرمایه گذار قادر به خرید همه سهام مختلف نباشه. (مثل **index fund** ها که مثلا تمام سهام یک ایندکس رو می خرند) و بعلاوه متخصصین و **money manager** ها بجای شما در مورد خرید و فروش تصمیم می گیرند. به درد افرادی میخوره که دوست دارن سرمایه گذاری کنن ولی وقت مطالعه و ترید رو ندارن.

Commodity pool هم معنای مشابهی در بازار **commodity futures** دارد.

این هم عکسی از مبارزه عادلانه (!) یک تریدر با فارکس ... !!!



THE WORLD OF TRADING

دنیای حیرت آور ترید کردن!

شما در تمامی مراحل گذشته، نهایت دقت و وسواس خود را به کار گرفتید، تا همواره صرفاً بهترین اساتید و مشاوران را پیدا کنید. به بهترین پیش بینی ها و فورکست ها دسترسی یابید، بهترین روشها و نقشه ها را بکاربرید.



اما همچنان، به دلایل نامعلومی، هیچ چیز طبق انتظار شما پیش نمی رود: به دنیای حیرت آور تریدینگ خوش آمدید!! دنیایی که در آن تقریباً هیچ چیز طبق پیش بینی رخ نمیدهد!

(عجب جملات قشنگی ... !!)

برای یکی مثل من که زبون مادرزادش انگلیسی بوده (الکی!!) اصلاً ترجمه این جملات مانند عبارت اصلی انگلیسی اش حال نمیدهد!
ببینید:

Welcome To The Wonderful Word Of Trading!!

Where Almost Nothing Turns Out As Expected!

دیدین؟ فداییش حال کردین؟ فیلی توپ بود!!

من اگه جای شما بودم میذاشتمش جای امضایم زیر پست هام ... میف که امضای فعلی ام قشنگ تره!

شما غرق در انواع اقسام پیش بینی های اقتصادی، شده اید، پیش بینی نرخ بهره، پیش بینی قیمت طلا، زوج ارزها و، اما به ندرت پیش می آید که یکی از این پیش بینی ها با دقت کافی به وقوع بپیوندد.

نویسنده های روزنامه ها و سایتها، لاف نتایج گذشته درخشان خود را می زنند، حتی اگر تعداد اعضا و مشترکین آنان روز به روز در حال کاهش باشد!

تحلیلگران و مفسرین در کانالهای تلویزیونی و وبلاگهایشان با هزار دلیل و قسم و آیه استدلال می کنند که بزودی بطور قطع فلان رخداد ها روی خواهندداد. اما این وقایع تقریباً یا هرگز رخ نمیدهند ویا بسیار دیرتر از آنچه که آنها پیش بینی کرده بودند به وقوع می پیوندد.

علی رغم تمام ایده های معقول، سیستم های تست شده کامپیوتری، شواهد اقتصادی، تکنیکهای تصحیح شده، مدارک و مستندات گذشته و ... هرگز در دنیای واقعی تریدینگ، رویدادها و وقایع به آن شکلی که همه مطمئن بودند، رخ نمیدهد.

آی ی و و و و و و و و ؟

این چرا انقدر تکرار میکنه مرفهش رو...؟! بابا والله همه فهمیدیم! بالله فهمیدیم!

بفدا فهمیدیم !

آی ی و و و و و و و و ؟ این چرا انقدر تکرار میکنه مرفهش رو...؟! بابا والله فهمیدیم !!

آی ی و و و و و و و و ؟ این چرا انقدر تکرار میکنه مرفهش رو...؟! !

توجه: لطفاً تمام «آی ی و و و و و» ها رو با لمن عمو منصور بفونین.

برخی از تریدرها، مدت هاست که از این بازار سود می گیرند. (فقط حیف که نامریی اند!) واقعاً برخی از تریدرها بخوبی موفق شده اند که به یک سودآوری مداوم از این بازار برسند. این سودها را از درون رویدادهایی بیرون می کشند که هیچکدام قرار نبودند که حتماً رخ دهند!

اگر به این جمله آخر شک دارید یک سر به تایپیک «پترن های درحال شکل گیری بزنید» و به سادگی ببینید که نویسنده های پست ها چه آینده ای را برای نمودار پیش بینی کرده بودند ... و سپس در واقعیت چه اتفاقی برای نمودار افتاده است!

(البته دو نفر در این سایت استثناء هستند:

یکی جناب استاد فرغ عزیزمان هستند با روش شان «سه وامد برگشتی». که کلاً پیش بینی و پیش گویی نمی کنند و صبر میکنند تا بازار در هرجهتی که پیش رفت ایشان نیز در همان جهت وارد بازار می شوند.

و نفر دوم ... ؟ اگر گفتید؟! معلوم است دیگه! همین پایوز خودمان! با روش امازینگ اش !!

او کمین میکند تا زمان شکار افبار برسد. سپس بالا و پایین قیمت را تله کار میگذارد تا اگر نمودار پریدبلا **Buy** فعال شود و اگر پرید پایین **Sell** !!

ضمناً این چند قط آمراً شوفی نبوده! فیلی هم جدی بود!

اگه دقت کنید یک مفهوم فیلی عمیقی هم پشتش بود!

فود نویسنده کتاب هم از این دو استادمون اسم برده بود! هرکی باور نداره متن اصلی کتاب رو بفونه)

سپس نویسنده کتاب به شخصی به نام H.ROSS فحش و بدویراه میگوید که چرا سال ۹۲ فلان پیش بینی را کرده و آنطور نشده است! احتمالاً نویسنده بد کینه ای از این بابا دارد.

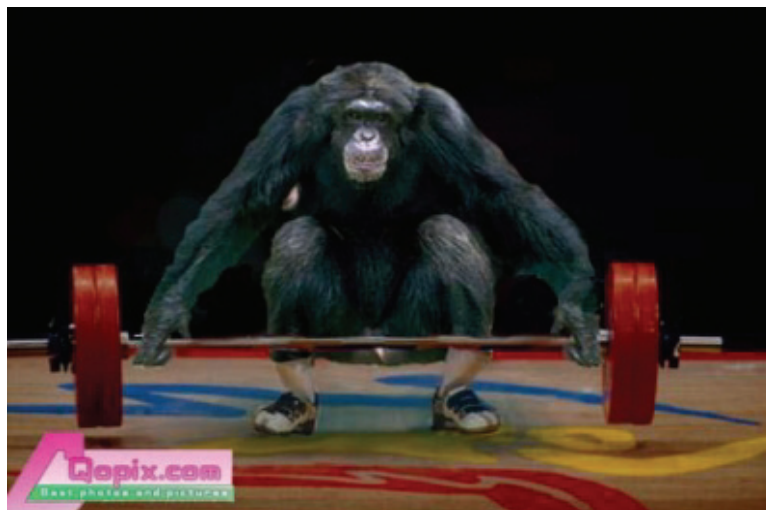
به نظریات امروز تحلیلگران در سایتها مجلات و روزنامه های مختلف نگاه کنید. این تحلیلگران حرفه ای حتی روی اینکه اکنون چه چیزی در حال رخدادن است اتفاق نظر ندارند، چه رسد به روی اینکه در آینده چه چیزی رخ خواهد داد ... !
تحلیلگران حرفه ای یک تکیه کلام معروف دارند که «من می دانستم اینطور میشود!»
زیرا فکر میکنند که برای بقای شغل شان لازم است که اینطور وانمود کنند.
آنها باید وانمود کنند که در راس بازار قرار دارند و از تمامی اتفاقاتی که قرار است رخ بدهد کاملاً آگاه هستند.
علاوه بر این، رقبای ایشان نیز با همین اشتباهات دست به گریبانند.

تریدرها نیز بنا به دلایل شخصی خودشان، نتایج واقعی کارشان را مخفی نگه می دارند.
یک تریدر هنگام ترید کردن همراه با سرمایه اش، اعتمادبنفس، لیاقت و ارزش و احترام به خویشتن را نیز ریسک می کند.
آنها نمی خواهند احساس کنند که در این بازاری که همه به بهترین نحو در حال عمل کردن هستند، تنها بازنده مارکت باشند.

(بخدا راست میگه!! من خودم هم هر وقت که نمودار باشدت برعکس من حرکت میکنه ،
شدیداً احساس تحقیر شدن بهم دست میده و انگار تمام شخصیتم له و لورده میشه!!
یه تصور احمقانه ای دارم که انگار تو اون لحظه تمام تریدرهای دنیا دارن برعکس من پوزیشن می گیرند
و کلی سود می کنند و همه باهم به ریش من می خندند!!
انگار من تنها بازنده و احمق در کل این مارکت هستم!!
درحالیکه اولاً - تا دلتون بخواد احمق در این مارکت هست! و دوماً - قاعدتاً در اون لحظات ، خیلی های
دیگر هم مشابه من تصمیم اشتباه گرفته اند و در حال ضرر کردن هستند!
فکر کنم حتی در اون لحظه قاعدتاً باید تعداد برنده ها و بازنده ها تقریباً مساوی باشه!!)

بیشتر تریدرها انتظار دارند که بازار طبق پیش بینی حرکت کند،
آنها یقین دارند که یک سیستم مطمئن و قابل اعتمادی وجود دارد که بقیه مردم آن را پیدا کرده اند.
بنابراین تریدرها همواره بدنبال یک گل سرخ سنگی(!!) در بازار میگردند، ولی هرگز آن را پیدا نمیکنند !

(قوب دوستان عزیز، این هم از سؤال امروز: این **Financial Rosetta Stone** دیگه چی بیه که اینهمه تریدر دارن دنبالش می گردند و پیداش نمیکنند!! مگه آدم تو بازار دنبال گل سرخ سنگی میگردد!!)



هیچکس نمیتواند بگوید که قیمت ها چه زمانی به قله خود می رسند و یا چقدر سقوط خواهند کرد ؟
تریدرهای انسانی هرگز قادر نیستند که به هیچ وجهی به پیش بینی تغییرات قیمت دست یابند.
برای هر مثالی از یک فورکست صحیح که شما پیدا کنید، من میتوانم چهار یا پنج تا فورکست دیگر پیدا کنم که کاملاً غلط بوده اند. و هر دوی فورکست های درست و غلط را ممکن است یک تحلیلگر ارایه نموده باشد.

سرانجام هنگامی که شما صددرصد ناامید شوید از اینکه بتوانید یک تحلیلگر، یا سیستم کامپیوتری، یا استراتژی یا اندیکاتور یا روش را پیدا کنید که میانبری برای شما باشد تا از طریق آن بتوانید پول پارو کنید، تنها در این زمان است که شما موفق می شوید تا خودتان شخصاً کنترل ترید های آینده خود را بعهده بگیرید.

این بالاخره به شما اثبات خواهد شد که هیچکس در این دنیا، مارکت را ترید نمیکند!
هیچکس، نه شما، نه حرفه ایها، نه تحلیلگران، نه تکنیکال ها، نه بانکها نه بیمه ها و نه غولپیکرترین موسسات مالی و اقتصادی، هیچکدام هرگز نمیتوانند بازار واقعی را ترید کنند!!
بلکه هر کدام صرفاً تصور و اعتقاد شخصی خودشان از این بازار را ترید میکنند !!

(اووووف !!)

فیله فلسفی بودها!! گرفتین مطلب رو؟ !!

فوب مالا که چی؟ بی مزه! بابا به چیزی یاد بده به قرون از توش دربیادا! چرا هی فلسفه یاد میدی؟!
روح نویسنده: آی ی ی و و و و! مثل اینکه فوب مطلب را نگرفتی ها؟ بگذار به بار دیگه برات از اول توضیح بدم!!
مترجم: وایای!! نه توروفدا!! بفدا فهمیدم! والله فهمیدم! چون مادرت برو سر اصل مطلب! اشکمون رو درآوردی...!!
روح نویسنده: آی ی ی و و و و! مثل اینکه فوب مطلب را نگرفتی ها؟ بگذار به بار دیگه!!

توضیح جناب **Kohzadi**:

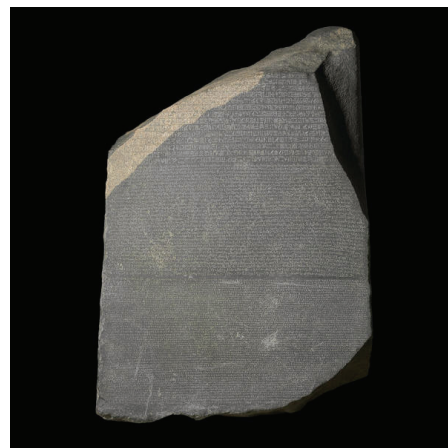


این **Rosetta Stone** یک کتیبه باستانی مصری است که برای استخراج و درک رمز خط هیروگلیف استفاده می شود
و در نزدیکی شهر رزتا پیدا شده است.
پس **Financial Rosetta Stone** همان سیستم بی عیب و نقصی است که بدون ضرر روزی ۲۰۰ پپ می دهد !!! 🤪

توضیح از دوست باسواد و مطلع ام جناب **WIND** عزیز:

Rosetta Stone کتیبه ای است که در سال ۱۹۶ قبل از میلاد نوشته شده است.
در سال ۱۷۹۹ توسط سربازان ناپلئون در حال کندن سنگر در شهر **Rosetta** در شمال مصر که اکنون شهر الرشید نامیده می شود کشف شد. ابعاد این کتیبه **114.4** سانتی متر طول، **۷۲.۳** سانتی متر عرض و **۲۷.۹** سانتی متر ضخامت است. این کتیبه از سنگ گرانیت خاکستری تیره مایل به صورتی ساخته شده.
نوشته های این کتیبه شامل قوانینی است که توسط سلسله پادشاهان بطلمیوس که از یهودیان یونان بودند در هنگامی که مصر را اشغال کردند وضع شد (این بطلمیوس با آن بطلمیوس ریاضی دان و منجم فرق دارد).
این کتیبه به سه خط هیروگلیف و دموتیک که از خطهای مصری بودند و خط کلاسیک یونانی نوشته شده. چون خط کلاسیک یونانی خطی شناخته شده بود، این کتیبه مبنایی برای رمزگشایی خط هیروگلیف قرار گرفت.
منابع:

http://en.wikipedia.org/wiki/Rosetta_stone
<http://www.thebritishmuseum.ac.uk/co.../goto?id=OBJ67>



ترید کردن یک بازی روانشناختی است .

در این بازی، تمامی استراتژی های اقتصادی، فاندانتال، مکانیکال ویا تکنیکال و غیره هیچ یک جواب نمی دهند.

همانطور که قبلاً گفته ام در گزارشی که اخیراً در یکی از مجلات بازاری مالی منتشر شد، از بین ۲۳۱ نفر تریدر کاملاً حرفه ای، صرفاً ۳۳ نفر از آنها دارای تراز مالی مثبتی بودند (Futures, June 1994, p.22) ! و فقط ۳ نفر از آنها (یعنی فقط حدود ۱ درصد!!) موفق شده بودند که سودآوری بیش از ۱۰ درصدی را در این بازار برای خود بدست آورند!!

به عبارتی بهتر اگر فارکس را یک بازی در نظر بگیریم، در این بازی: از مجموع تمام تریدرهای کاملاً حرفه ای انتخاب شده، کلاً " 87 درصد این بازیگران کاملاً بازنده بوده اند!

و صرفاً ۱۳ درصد از آنها موفق شده اند سودآوری بیش از ۱۰ را در طی یکسال کاری، داشته باشند!

به یاد داشته باشید که این نتایج متعلق به حرفه ای ترین تریدرهای دنیا است!

تریدرهای کاملاً حرفه ای که بیشترین دستمزدها را می گیرند و پرتفوی گردان بسیاری از مؤسسات بزرگ مالی درجهان هستند.

این تریدرهای حرفه ای، بزرگترین کامپیوترها را در اختیار دارند و بهترین اطلاعات همواره در دسترس شان است.

ولی مارکت واقعی نه سیستمی کامپیوتری است، و نه قابل درک با قوی ترین سیستمهای کامپیوتری جهان است!!

آیا ممکن است بالاخره روزی کامپیوترهایی اختراع شوند که بتوانند بجای یک تریدر موفق در این بازار کار کنند؟!

پاسخ ، ساده است:

بله! اما زمانی که این کامپیوترها بتوانند مثلاً تفاوت بین یک «سگ» و یک «گربه» را تشخیص دهند!

ترید کردن در این بازار، موقعیت های خارق العاده ای را برای کسب سودهای کلان در اختیار تریدرها میگذارد، ولی در عین حال، ترید کردن شغلی است که اگر کسی بخواهد آن را انتخاب کند به خودشناسی و تسلط بسیار عمیقی نسبت به خویشتن نیاز دارد.

بزودی شما در این کتاب خواهید آموخت که:

«شناخت خویشتن» کلید اصلی تمام تصمیمات و استراتژی های سودآور است.

ما خواهیم دید که در ورای نتایج مالی، نفس ترید کردن در ذات خود، نکات آموزنده فراوانی را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

پیش رفتن به سوی درک واقعی از مارکت، به استراتژی ها و تکنیک هایی نیاز دارد

که باعث می شوند تا ما خودمان را نیز، همگام با بازار، بسیار بهتر بشناسیم.

ما خواهیم آموخت که ساختار زیرین مارکت، به مثابه آینه ای غبار اندود، ذات و ساختار درونی یک به یک تریدرها را - و تمامی تریدرها را - باز می تاباند!

در واقع تمام تلاش ما در این کتاب این است که ساختار درونی و عمیق درون خودمان را - که معمولاً نسبت به آن ناآگاه هستیم - بهتر بشناسیم، و سپس سعی کنیم که این ساختار ذاتی مان را با ساختار زیرین مارکت هماهنگ نماییم.

کنکاش دایم ما در پی موفقیت را می توان با جستجوی ابدی بدنبال «جام مقدس» مقایسه نمود!

یک توضیح غیر ضروری (۱۱) از مترجم:

(فکر کنم مجبورم اینجا یک توضیحی بدهم. چون این لغت «**Holy Grail**» وی «جام مقدس» در فارکس زیاد بکار می رود:

Holy Grail یا جام مقدس: کنایه از جامی است که گفته می شود که

مضرت عیسی در «شاه آفر» معروفشان، آفرین پیاله شراب خود را (یعنی فون مقدس و پاک خود را) در آن نوشیده اند.

و فرقه ای از مسیحیان معتقدند که این پیاله، جامی مقدس است که سمبل باروری، آفرینش، موفقیت، عصمت، طهارت، عفت، جاودانگی و... و پیروزی ابدی است!

و در طول تاریخ، تا صدها سال پس از مرگ عیسی، این «جام مقدس» توسط اعضای فرقه ای بنام شوالیه های نمیدونم چی چی (!) دست به دست می شده و تاکنون مفی نگه داشته شده است.

که به تازگی نیز دوست هنرپیشه و دانشمند جناب آقای تام هنکز عزیز (!!) کشف کرده اند که گویا این جام در واقع اشاره به «رم» مریم مجدلیه داشته است! و متی مضرت عیسی از این زن، فرزندی نیز داشته اند! که در این «رم» دوران جنینی خود را تکامل یافته است.

و سپس توسط پیروان نزدیک مضرت مسیح، مخفیانه به دنیا آمده است.



و پرفسور تینگ تونگ تانگ (همان رفیق نامرد تام هنگز!!) معتقد است که درواقع آن شوالیه ها نسل به نسل از این نوادگان معصوم و پاک مضرت عیسی محافظت کرده اند .

و نگذاشتند راز آنان برملا شده و نسل نوادگان پاک عیسی به دست ماکمان و کشیشان دنیاپرست ماکم در قرون وسطی ، کشته شده و این نسل پاک و مقدس منقرض گردند.

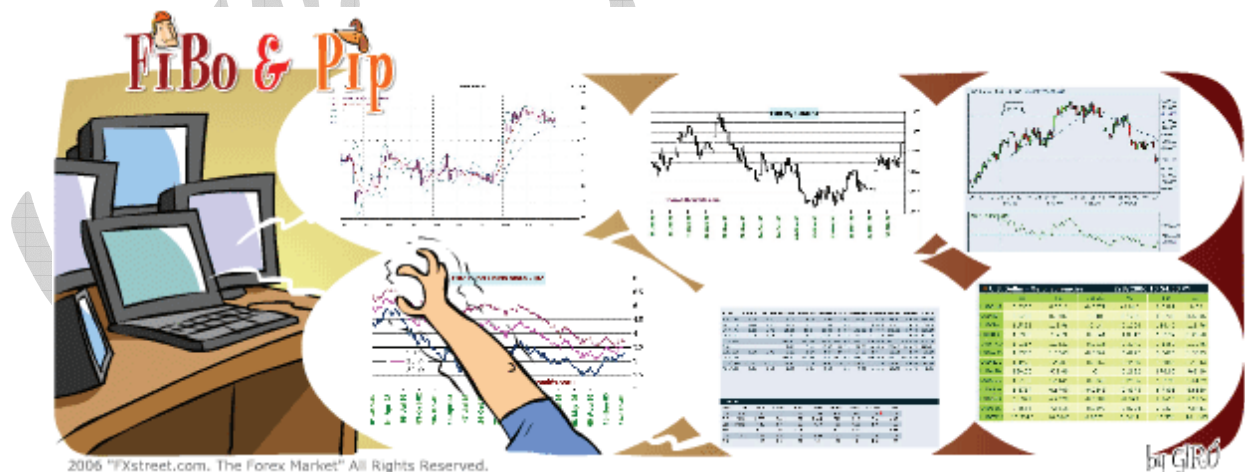
من به شغفه زیاد با تام هنگز موافق نیستم (!) و فکر میکنم جام مقدس برای مسیحی ها، به چیزی تو مایه های همون «جام جم» یا «جام جهان نما» ی فودمون بوده که به دست هر پادشاهی که می افتاده، اون پادشاه می توانسته بوسیله آن «جام جهان بین» از تمام وقایع کل دنیا بلافاصله مطلع بشه.

و درواقع به صورت سمبولیک به تمام دانسته های بشری آگاهی پیدا کنه و نتیجتاً بتونه بر کل دنیا حکمفرمایی کنه . یعنی دستیابی به «جام جهان بین» ، به منزله دستیابی به قدرتی ازلی و نامحدود و پادشاهی کردن بر کل دنیا و کاینات بوده است .

تقریباً چیزی مثل همان «ملقه جادویی» پیترمکسون در سه گانه «ارباب ملقه ها» ! و شاید هم در دوران امروزه فودمان ، به چیزی مثل «بمب اتم» عمو برج بوش فودمون! که اگه امروزه کسی به این بمب اتم دسترسی داشته باشه ، فودبفود ماکم بر کل دنیا میشه، و بهمین دلیل به عده ای از قدرت های بزرگ سعی میکنند به هرشکلی شده مانع از دستیابی کشورهای دیگر به این علم و تکنولوژی بشوند ... (ای بابا فیلی سیاسی شدیم ها!!)

فلاصه در فارکس هم معروف است که میگویند :

اگر یک سیستمی پیدا بشه که صددرصد مطمئن و بدون فطا باشه و روزانه بطور فالص مثلاً شونصد پیپ سود بده ، همانا چنین سیستمی همان «**Holy Grail**» افسانه ای فواهد بود، که صدها سال است همه در جستجوی آن هستند ولی هرگز پیدا نشده و در آینده نیز نفواهد شد!



2006 "FXstreet.com. The Forex Market" All Rights Reserved.

- ادامه متن کتاب:

ما به دنبال ایده ای می گردیم که بتواند سودآوری دائم و مستمر ما را، در این بازار تضمین کند، تا ما بتوانیم با دستیابی به این ایده، برنده همیشگی این بازی باشیم.

به نظر من جستجوی ما به دنبال موفقیت، سرانجام در چهار کلمه جمع میگردد:

«آن چیزی را بخواه که بازار میخواهد.»

و یا به عبارت دیگر: «در همان جهتی حرکت کن که حرکت میکند»

Want what the market wants

هدفی که ظاهراً خیلی ساده به نظر می رسد، اما در واقع عمل به آن بسیار دشوار خواهد بود.

تمامی اشتباهات و ضررهای ما، منشا واحدی دارند:

ما با تحلیل ها و استدلال های خودمان پیش بینی هایی کرده ایم، اما بازار علی رغم انتظاری که ما از آن داشته ایم در جهت دیگری و بر خلاف میل ما حرکت کرده و رویداد مورد نظر ما اصلاً به وقوع نپیوسته است.

اما هنگامی که ما همسو و همفاز با بازار باشیم و همواره به همان سمتی حرکت کنیم که بازار نیز در حال پیمودن آن است، دیگر متضرر شدنی در کار نخواهد بود!

باید سعی کنیم ساختار و منطق زیرین بازار را بشناسیم و درک کنیم، و با وفق دادن ساختار ذهنی و درونی خودمان با آنچه که در ساختار زیرین بازار در جریان است، دیگر انتظارات غیر واقعی از این بازار نخواهیم داشت.

با این روش، دیگر تریدر بودن یک شغل پر استرس و پر تنش برای زندگی کردن نخواهد بود!

ما در این کتاب می آموزیم که یک ساختار روانشناختی و ذهنی سالم و بدون ریسک را برای خودمان ایجاد کنیم، و با روش صحیح ترید کردن، از ترید کردن لذت ببریم.

اگر اکنون ترید کردن برایتان امر لذت بخشی نیست، به سبب آن است که حتماً این کار را به شیوه ای غلط انجام می دهیم.

و جالب است که بازار - که در واقع تنها معلم ماست - همواره دقیقاً به ما خواهد آموخت
که کجای کارمان اشتباه بوده است
و چه وقت این اشتباه را مرتکب شده ایم!

(شاید بد نباشد که برای درک بهتر جمله فوق ، به نکته ای اشاره کنم که از یکی از دوستان عزیزم شنیدم که میگفت:
فارکس اجازه کوچکترین اشتباه و سهل انگاری را به من نمیدهد !

هرگاه صرفاً یکی از قوانین ام را نادیده می گیرم -متی صرفاً یک قانون کوچک و کم اهمیت را -بازار مانند یک معلم
بسیار سفت گیر،
بلافاصله، قاطعانه ، بی رحمانه و بدون استثنا ، استاپ من را فواید زد
و پوزیشن ام را قطعاً با ضرر فواید بست!

و برعکس هرگاه که تمامی قوانین ام را -قوانینی کاملاً شفصی و تجربی- عیناً و یک به یک رعایت کرده ام،
بازار نیز مانند میوانی رام ، اهلی و دست آموز، دقیقاً در همان سمتی که موردنظر من بوده، به آرامی و به سهولت
مرکت کرده ،

مانند یک معلم دلسوز و فداکار، که میفواهد به سرعت پاداش کار فوبی را که دانش آموز کوچکش انجام داده، به او
ببفشد،
بلافاصله پاداش عمل کردن کامل به قوانین ام را به من اعطا فواید نمود!!)



روش شخصی خود را بیابید!

در این کتاب، من به شما نشان خواهم داد که چگونه میتوانید در این دنیای مملو از عدم قطعیت و بی نظمی، امنیت خاطر و سودآوری بیشتری را کسب نمایید، بدون اینکه نیازی به بهترین تحلیلگرها و سیستم های پیش بینی کننده بازار سرمایه داشته باشید، و بدون نیاز به ریسک های عجیب و غریب، و یا بدون نیاز به اینکه دائماً در حال مطالعه روزنامه ها، خبرنامه ها، سایت ها و کانالهای اقتصادی باشید.



بدیهی است که من نمیتوانم ضمانت بدهم که پس مطالعه این کتاب، شما نیز حتماً موفقیتی را، عیناً معادل با نتیجه ای که من از ترید کردن خودم گرفته ام، بدست خواهید آورد. و یا حتی نمی توانم ادعا کنم که شما با استفاده از ایده های این کتاب سودهای کلانی را کسب خواهید نمود.

اما پس از آموزش بیش از ۴۵۰ نفر از دانش آموزانم، که اکنون همگی آنها تریدرهای حرفه ای و کاملاً موفق شده اند، جداً معتقدم که:

من میتوانم به شما نیز کمک کنم تا حداکثر بازدهی خود را، با توجه به هوش و استعداد شخصی خودتان و بر مبنای میزان تلاش و پشتکارتان، و مقدار انگیزه و علاقه ای که به ترید کردن دارید، بدست خواهید آورد.

پیروی کردن از روش سودآوری که به شما معرفی خواهم کرد، موجب میگردد تا ترید کردن برای شما به امری آسان و لذت بخش تبدیل گردد. می توانید نگرانی های خود را درباره ترید کردن کنار بگذارید و دیگر تحت فشارها و تنش های ناشی از این شغل نباشید.

قبلاً گفتیم که با توجه به اینکه «مارکت» اکیداً پیش بینی ناپذیر است، ما نیز باید صرفاً بدنبال روشی باشیم که متکی بر پیش بینی آینده نباشد. ما حتی در زندگی شخصی مان به فال گیرها، پیش گو ها، طالع بین ها و غیره باور نداریم، زیرا معتقد هستیم که زندگی کردن امری کاملاً پیش بینی ناپذیر است. هیچکس نمیدانید که دقیقاً هفته بعد در چنین لحظه ای در حال فکر کردن به چه چیزی خواهد بود؟

و به همین ترتیب هیچکس واقعاً نمیداند که هفته بعد در چنین لحظه ای ، مارکت در حال فکر کردن به چه چیزی خواهد بود؟ و چه جهتی را برای حرکت بعدی خود انتخاب خواهد کرد؟

هریک از ما باید صرفاً با روش و سیستم شخصی و منحصر بفرد خودمان ترید کنیم.
این راز سودآوری در این بازار است.

هنگامی که ساختار زیرین مارکت را برایتان شرح دهم، و سپس ساختار ذهنی خودتان را با ساختار زیرین مارکت تطبیق دهید، نتیجه یک هماهنگی هندسی فوق العاده خواهد بود.

باید یاد بگیرید که چگونه زیرساختهای ذهنی خودتان را با زیرساختهای درونی و ناپیدای مارکت، هماهنگ و همفاز کنید.

به چارتهایتان نگاه کنید. با خود بیاندیشید که مارکت چگونه حرکت می کند؟
کدام عامل است که موجب تغییرات قیمت، و حرکت نمودار میشود؟
پاسخ این است: انرژی!

مارکت نیز مانند هر پدیده دیگری توسط «انرژی» به حرکت در میاید، و این انرژی همواره تمایل دارد که از کوتاه ترین مسیر و مواجهه با کمترین مقاومت عبور نماید.



مثلا یک رودخانه را در نظر بگیرید که از بالای کوه سرازیر می شود.

این رودخانه مسیر خود را چگونه انتخاب می کند؟
آیا ممکن است رودخانه مسیر خود را از روی قله ها و صخره های مرتفع ، انتخاب کند؟!

خیر، رودخانه مسیر خود را صرفاً از میان «بستر دره ها» می پیماید زیرا این مسیر تنها مسیری است که کمترین مقاومت را در برابر جریان آب پرانرژی ایجاد خواهد کرد.

یعنی انرژی نهفته در جریان آب همواره سعی می کند از مسیری عبور کند که کمترین مقاومت و ممانعت را، در مقابل حرکتش اعمال نماید.

حرکات و پترن های یک رودخانه - مسیر آن، آرام یا پر تلاطم بودن آب، و همچنین جهت جاری شدن رودخانه - همگی صرفاً بستگی به «ساختار زیرین بستر رودخانه» دارند.

اغلب روش ها و استراتژی های ترید کردن، صرفاً تلاش می کنند تا «جهت حرکت» رودخانه را ببینند، درحالیکه باید به «ساختار زیرین» رودخانه و به «بستر» رودخانه دقت کنند!

ساختار زیرین بازارهای سرمایه، همان «فراکتال ها» هستند (Fractal) که در تئوری «چایوز» «آشفستگی ها» یا «علم کی آس» یا «Chaos Theory» به بهترین نحو توضیح داده شده اند.

یک نکته بی مزه و توضیح جملگلو از مترجم :

متأسفانه من هرچه گشتم ، معنی لغوی مناسبی برای واژه «فراکتال» پیدا نکردم؟

لغت اصلی به صورت **(Fractal)** نوشته می شود .

اگر هر یک از دوستان عزیز، ترجمه مناسب یا مترادف آشنایی برای این کلمه سراغ دارند

لطفاً ممبت کرده و در اینجا بفرمایید؟

دوستان عزیز توجه کنند که لغت «فراکتال» در فارکس و به ویژه در تئوری چایوز معانی و کاربردهای بسیار وسیعی دارد. متی در پلت فورم متاتریدر نیز یک اندیکاتور به همین نام «فراکتال» موجود است که با این فراکتال مورد اشاره نویسنده یک ارتباط مشروع (یا شاید هم نامشروع!!) دارد!!!

نویسنده بعداً اینطور توضیح می دهد که این فراکتال ها بخوبی نقاط مهم تخییرجهت بازار را نشان میدهد.

که در واقع اشاره به همان ماکزیمم ها و می نیمم های نمودار قیمت دارد . ویا بعبارت دیگر همان **High** ها و **Low** ها .

نویسنده در فصل های بعدی کتاب ، از «فراکتالها» برای شمارش امواج الیوت ، تشفیص جهت ترند ، تعیین نقطه استاپ و مناسبه مدضرر، تعیین نقطه ورود و تریدر سیگنالهای فرید و فروش و غیره ... و بسیاری کاربردهای متنوع دیگر، استفاده میکند.

فراکتال ها یکی از پنج ابزار بسیار مهم در روش ترید بیل ویلیامز هستند)

گفتیم که انرژی همواره کوتاه ترین مسیر حاوی کمترین مقاومت را طی میکند. یک لحظه به این فکر کنید که حتی خود شما نیز در زندگی شخصی تان، به همین شکل همواره مسیری را می پیمایید که دارای حداقل مقاومت و ممانعت در برابرتان باشد. دنبال کردن همین مسیر حداقل مقاومت است که موجب شده تا درست در همین لحظه در حال خواندن این صفحه از این کتاب باشید.

در طی سالهای فراوانی که بعنوان یک روانشناس کار کرده ام، به این باور رسیده ام که بیشتر روشهای درمانی روانشناسی به این دلیل نتایج مثبت چندانی ندارند که به جای آنکه به زیرساختهای شخصیت بیمار پردازند، صرفاً به ظاهر رفتار بیمار دقت می کنند.

درحالیکه این زیرساختها و باطن ضمیر و ذهن ناخودآگاه فرد هستند که علت تمامی رفتارهای آدمی بوده و جهت دهنده رفتار ظاهری فرد هستند.

اگر شما بتوانید زیرساختهای شخصیت بیمار را تغییر دهید، آنگاه رفتارهای بیرونی و ظاهری او نیز خودبخود تغییر خواهند یافت.



و به همین ترتیب اگر زیرساختها و بستر زیرین یک رودخانه تغییر کند، مسیر جریان آب، و مشخصات و رفتار ظاهری رودخانه نیز تغییر خواهد کرد.

ذهن و مغز شما نیز هنگام ترید کردن به همین شیوه عمل میکند. (دست شما در نکند آقای نویسنده!! پس لابد ما همان بیمار روانپریش هستیم که باز پایین مان را دستکاری کنید تا بالایمان نیز دستخوش تغییرات شود!!؟)

در واقع برای موفقیت در ترید کردن، دو چیز را باید به خوبی بشناسید: اول- مارکت را. و دوم- خودتان را.

در این کتاب سعی میکنیم که هر دو کار را انجام دهیم. یعنی هم زیرساختهای مارکت را بشناسیم و هم زیرساختهای ذهن و مغز خودمان را.

بعنوان مثال اندیکاتوری را به شما معرفی خواهم کرد که با استفاده از ساختار زیرین مارکت، در ۹۹.۵ درصد مواقع درست در لحظه ای که مارکت در نقطه بحرانی تغییر جهت خود قرار گرفته، تا یک قله یا دره جدید را تشکیل دهد،

با دقتی حداکثر به اندازه یک کندل اینطرف یا آنطرف تر، این نقطه بحرانی را مشخص کند .
(بععله !! فکر کنم ایشان منظور شون همون اندیکاتور آبکی فراکتال است!!)

من به شما اثبات خواهم کرد که می توانید به این اندیکاتور اعتماد کنید. (آره جون بابات!!!)

من به شما خواهم گفت که زیرساختهای ناخودآگاه شما، چگونه هنگام ترید کردن، در کارتان اخلاص و کارشکنی میکنند. (زیرساختهای عمه ات کارشکنی می کنه!!!)
و به تدریج هرچه در مسیر موفقیت و سودآوری بیشتر پیش می روید، نسبت به رفتار خود نیز بصیرت و آگاهی بیشتری خواهید یافت. (راست می گی؟! ایول! بیا دوباره آشتی کنیم!)

همین نکته، به تنهایی به اندازه تمام قیمت این کتاب ارزش دارد. (باز تبلیغات شروع شد! می زنم تو اون مخت ها !!! مرده شور زیرساختها رو ببرن!!!)

و سرانجام ما روش های سودآوری را بگونه ای جمع بندی می کنیم که صرفاً با اندکی تمرین، بتوانید هر چارتری را در کمتر از ۱۰ ثانیه تحلیل کنید!
و بلافاصله قادر باشید تا تصمیم بگیرید که:

کی و کجا باید وارد بازار شوید؟ در چه قیمتی خرید کنید؟ کجا بفروشید، چه وقت به حجم معاملاتتان بیافزایید و چه وقت به تدریج از آن بکاهید.

و یا با تشخیص اینکه بازار در شرایط مناسبی قرار ندارد، بدون ورود به بازار صرفاً نظاره گر آن باشید.



توضیح بسیار مفیدی از دوست خوبم **Wind** عزیز درباره فراکتال ها :

متأسفانه برای واژه **fractal** تا کنون توسط فرهنگستان معادل فارسی انتخاب نشده است. واژه فراکتال در سال ۱۹۷۵ توسط «بندیت مندلبورت» ریاضی دان مجارستانی و پدر علم فراکتال، ابداع شد. ریشه این لغت، عبارت لاتین **Fractus** به معنای «شکسته» است.

fractal یک مفهوم ریاضی هندسی است و تاکنون تعریف دقیقی از ماهیت آنها نشده است، اما از یک دیدگاه کلی می توان گفت که **fractal** موجودی هندسی است که قوانین کلی حاکم بر آن وابسته به مقیاسی که در آن کار می کنیم نیست. یعنی جزئیات آن شبیه کل هستند.

فراکتال ها جزئیات نامحدودی دارند که دارای ساختاری خودمتمشابه در مقادیر مختلف بزرگ نمایی، هستند. به عبارت دیگر فراکتالها از اجزائی تشکیل شده اند که هر یک از آن اجزاء خواصی کاملاً مانند کل دارد.

ساده ترین نوع فراکتال، فراکتال کانتور است. پاره خطی به طول یک واحد در نظر بگیرید و طول آن را به سه قسمت تقسیم کرده و قسمت وسطی را حذف کنید.

حالا دو تا خط داریم که طول آنها یک سوم طول اولیه است. همین عمل را با هر کدام از این پاره خط ها هم انجام می دهیم. یعنی طول هر کدام را ثلث می کنیم و قسمت وسطی را حذف می کنیم.

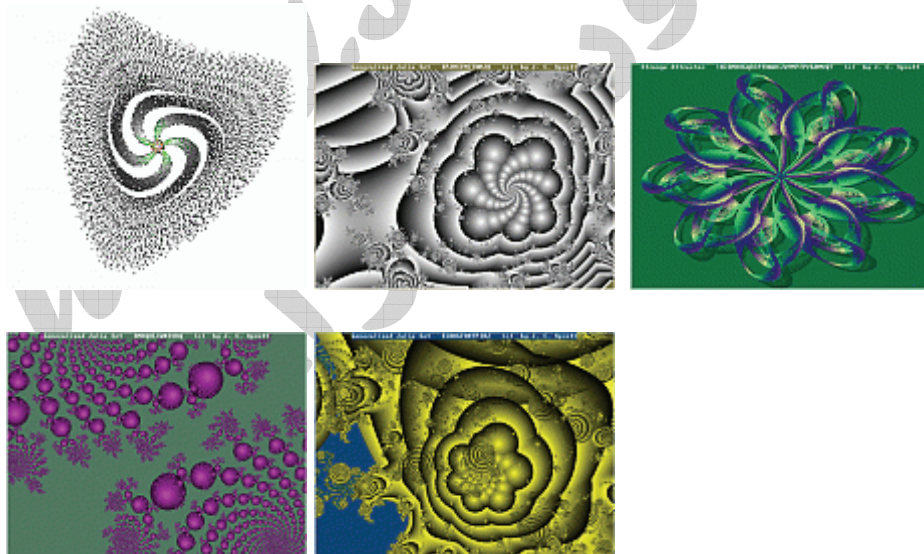
می توان با کامپیوتر برنامه ای نوشت که این عملیات را چندین بار بیپای انجام دهد. اگر این عملیات را بی شمار بار انجام دهیم شکلی به دست می آید که مجموعه کانتور نام دارد. اگر به کل شکل نگاه کنیم، ساختاری می بینیم که تا بی نهایت ادامه دارد.

اگر به سمت راست یا چپ خط دوم شکل نگاه کنیم، ساختاری می بینیم که باز هم تا بی نهایت ادامه یافته و در عین حال، کاملاً شبیه شکل کلی است.

چنین ساختارهایی که هر جزء آن با کل مجموعه یکی است و فقط در مقیاس (**Scale**) تفاوت دارند را ساختارهای خودمتمشابه **Self-similar** می گویند.

در فراکتال ها این بعد فراکتالی است که مهم است و نه مقیاس. زیرا در هر اندازه ای، این بعد فراکتالی حفظ می شود و بیانگر خاصیت اصلی فراکتال است.

در اینجا چند شکل فراکتالی را ملاحظه می فرمایید.



متن کمکی درباره فراکتالها:

این متن را یکی از دوستان عزیزم (جناب آقای شهرام کرباسیان با آی دی «تکنیکال آنالایزر» در سایت تلارپورس و وبلاگ شخصی شان به آدرس <http://golchinsaham.blogspot.com>) که همواره به بنده لطف و محبت فراوان داشته اند، در اختیارم قرار داده اند.

که البته متن اصلی ایشان به زبان انگلیسی بوده و بنده ترجمه آن را ذیلا فدمتتان ارایه کرده ام. امیدوارم که موردتوجه شما سروران عزیزم قرار گیرد:

یکی از اصول اولیه تئوری الیوت این است که مارکت در ذات خود ساختاری فراکتال گونه دارد.

به عبارتی ساده تر همان الگوهای امواج الیوت که در تایم فریم های بالاتر دیده می شوند، عیناً در تایم فریم های کوچک تر نیز مشاهده می گردند. البته با ساختاری اندکی پیچیده تر.



نمیدانم که آیا پیش از این تحقیق کاملی برای اثبات یا رد این فرضیه انجام شده است یا خیر، اما درحوزه تجربیات شخصی ما و دیگر تریدرها، اعتبار این فرضیه کاملاً تایید می گردد.

این ویژگی را «شبهت درونی با خود» و یا «خود همسانی» و یا «Self-Similarity» می نامند و این نامی است که نویسنده ای که برای اولین بار ساختار فراکتالی مارکت را بررسی نمود، روی آن نهاد. نحوه استفاده ما از لغت «فراکتال»، و یا عبارت «فراکتال های امواج الیوت»، اندکی متفاوت با ویژگی «خود همسانی» است.

به این صورت که از آنها بعنوان «فراکتالهای شمارشی» و یا «Counting Fractal» نام می بریم، که بطور مشخصی به کندلی واقع بر قله یا دره موج، در چارت میله ای، اشاره میکند. اگر ما از نام های «فراکتال» و یا «برخه ای» به جای «خود-همبستی» استفاده میکنیم، نه بخاطر پیچیده تر کردن قضیه، بلکه بخاطر احترام و اعتباری است که برای آقای دکتر بیل ویلیامز مبدع تئوری فراکتال ها قائلیم.

فراکتال ها برای اولین بار برای شمارش امواج الیوت، توسط دکتر بیل ویلیامز در کتاب «Trading Chaos» بکار رفتند. مانند بسیاری از مفاهیم دیگری که در کتاب دکتر ویلیامز بکار رفته اند، فراکتال ها نیز در عین سادگی از زیبایی خاصی برخوردارند.

طبق تعریف، «فراکتال بالا» یا «Up Fractal» به نقطه فوقانی کندلی گفته می شود که High آن از دو کندل قبل از خود، و همچنین از دو کندل بعد از خود، بالاتر باشد.

بدیهی است که برای تعیین «فراکتال بالا» به نقاط Low کندل ها اصلاً کاری نداریم.

معمولاً برای مشخص شدن یک فراکتال، به مجموعی از ۵ کندل نیازمندیم. اما اگر دو کندل متوالی، High های یکسانی داشته باشند، و ارتفاع آنها از High دو کندل بعدی و همچنین دو کندل قبلی خود، بالاتر باشند، آنگاه کل مجموعه که شامل ۶ کندل متوالی است، برای تعیین فراکتال مذکور بکار خواهد رفت، یعنی بر خلاف حالت عمومی تر که صرفاً با ۵ کندل میتوانستیم یک فراکتال را تعیین کنیم در این حالت به ۶ کندل متوالی نیاز خواهیم داشت. در این حالت ۶ کندلی، از بین دو کندل وسطی که هم ارتفاع هستند، کندل اولی را بعنوان فراکتال اصلی در نظر خواهیم گرفت.

برای «فراکتال پایین» نیز عیناً همین نکاتی را که ذکر کردیم، به طور معکوس بکار خواهیم برد.

مجموعه ای وسیع از چندین کندل پیاپی می توانند بطور همزمان یک «فراکتال بالا» و یک «فراکتال پایین» را شامل گردند.

شمارش امواج ایبوت با استفاده از فراکتال ها، بسیار ساده و روان است. زیرا هر کندل مشخص به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا یک فراکتال هست و یا فراکتال نیست!؟

پس به سادگی می توان یک به یک کندل ها را بررسی نموده و پشت سر گذاشت. و پس از مشخص نمودن تمامی فراکتال ها، به سادگی به شمارش امواج ایبوت پرداخت.

اصولاً شمارش امواج ایبوت از روی نمودارهای میله ای و یا کندل استیکی، انجام میدهیم. و شمارش امواج ایبوت بر روی یک نمودار ساده خطی Close Price Chart اگر نگوییم غیرممکن است لاقلاً بسیار دشوار و پیچیده می باشد.

در یک دنیای ایده آل، در هر تایم فریم می توان امواج ایبوت را، با استفاده از مجموعه فراکتالهای بالایی و پایینی که به ترتیب پشت سر هم ردیف می شوند، به سهولت شمارش نمود.

اما متأسفانه در دنیای واقعی چنین حالت ایده آلی هرگز رخ نخواهد داد.

در واقعیت معمولاً زنجیره ای از فراکتال های متوالی و پشت سر هم ، ناگهان توسط فراکتالی که ما آن را «فراکتال میرا» می نامیم، شکسته می شود.

یک مثال ساده از «فراکتال های میرا» حالتی است که به وضوح می توان دو فراکتال بالای را مشاهده نمود، ولی در ادامه آنها هیچ فراکتال پایینی را پیدا نمی کنیم، تا بوسیله آنها بتوانیم موج کاملی را شناسایی و شمارش نماییم.

در چنین حالتی شما مجبور هستید که قضاوت شخصی خود را بکارگیرید و به سراغ سایر تایم فریم های بالاتر و یا پایین بروید، و یا از یک نمودار خطی ساده برای شناخت میزان اهمیت فراکتال های میرا استفاده نمایید و سپس با کمک آنها شمارش امواج را ادامه دهید.

فراکتالها ابتدا و انتهای هر موج را به سهولت مشخص می کنند، و همچنان که دکتر بیل ویلیامز در کتاب خود توضیح داده اند «هر آنچه که در بین دو فراکتال متوالی قرار میگیرد، همانا قطعا یک موج الیوت خواهد بود!»

منبع:

<http://trade.net.nz/strategies/fractals.html>



2006 *FXstreet.com. The Forex Market* All Rights Reserved.

دوست من سلام!!

این فصل فهرست جالبی از کل مباحث بعدی کتاب است.

اول میخوانم ترجمه اش نکنم ...

چون این روش «اول چشم انداز بعد آموزش» یک روش منسوخ اجنبی و بیگانه است و اصلاً با فرهنگ و هنر و خلق و فوی ایرانی ما سازگار نیست!!

ولی بعد که یک دور کامل این فهرست بامزه رو خوندم ... به نظرم رسید که: نه اتفاقاً باید متماً این رو براتون ترجمه کنم. میدونین چرا؟!!

چون اولاً- همینطور که این فصل ها رو میخونین و میرین جلو توی رویاهای فوتون مینین که واقعاً یک تریدر بیست شدین و دارین روز به روز موفق تر و پولدارتر میشین و و فاصله یک مالی می برین که توصیف ناشدنیه!!! (بزار مذاقل تو رویاء تجربه اش کنیم!!)

دوماً- این فصل ها و قدمهایی رو که نویسنده یک به یک توضیح میده ، دقیقاً همون مرامی که هرکسی برای موفقیت در ترید کردن باید یکی یکی طی شون کنه . من به شما قول می دهم که خودم به شرفه تمام این پله ها رو دونه به دونه طی کرده ام. متی برای تمرین بیشتر چندبار هم دوتا دوتا پریدم رفته بالا .. و چند بار هم به حالت دوی با مانع ، تمامشون رو دویدم رفته بالا و دوباره تند برگشتم اومدم پایین ... !!! فعلاً هم که همین پایین در خدمتون هستم !!

فلاصه مطمئن باشین که این فهرست براتون جالب فواهد بود. و توصیه میکنم که متماً بخونیدش ...

متی اگر فکر میکنین موصله دنبال کردن تمام مطالب کتاب را تا به انتها ندارین.

لااقل این فهرست رو بخونین تا بدونین چه مسیری رو باید توی فارکس طی کنید. بعد بقیه راه رو فوتون کورمال کورمال به جوری طی کنین و برین جلو ... !

ضمناً مطمئن باشین من و یارانم (افشین و ممید و مهرزاد و محسن و رومی) این ترجمه رو تا به آخر ادامه میدهیم.

متی اگر به قیمت فونمون هم تموم بشه ، از این راهی که شروع کرده ایم ، ماشا و کلا که برنخواهیم گشت !

چون همانا تریدر یک پا داره و فارکس یعنی استقامت و پشتکار و یک دنده گی !

تشویق و حمایت و کمک های مردمی از شما (شماره مساب رو که یادتون هست!!) سعی و تلاش و پشتکار و دوندگی

از ما ... !

HOW THIS BOOK IS ORGANIZED

فهرست موضوعات این کتاب

در این فصل، ما به ایرادها و تجربیات ۹۰ درصد از تریدرهای بازار پرداختیم. گفتیم که مارکت، مانند رفتار انسانها، ذاتاً غیرقابل پیش بینی است. و گفتیم که مهمترین هدف ما این است که همان چیزی را بخواهیم که بازار می خواهد :



Wanting what the market wants.

و تأکید کردیم که مارکت نیز مانند هر چیز دیگری در دنیا، مسیری را می پیماید که کمترین مقاومت در برابر آن وجود داشته باشد. در فصل بعد، ما خواهیم دید که بازار حقیقتاً چقدر ساده است.

در فصل ۳ جزییاتی را بررسی خواهیم کرد که منطق جدید «تئوری چایوز» چگونه نقشه بهتری را در این مسیر درمقابل مان خواهد گذاشت.

فصل ۴ کلیدی برای شناخت رفتار بازار دراختیار ما میگذارد: زیرساختهای مارکت که معمولاً قابل مشاهده نیستند. ما به ساختار این زیرساختها خواهیم پرداخت، و بررسی خواهیم کرد که چگونه شناخت این زیرساختها به روی ترید کردن شما تأثیر خواهد گذاشت.

فصل ۵ شامل «نقشه راهنما» ای است که هدایتگر شما از سطح مبتدی تا سطح پیشرفته خواهد بود. شما خواهید آموخت که کدام شاخصها به شما خواهند گفت که در هر لحظه شما در کدام level درحال ترید کردن هستید. و خواهید آموخت که برای هر level خاص باید از کدام ابزارهای خاص استفاده نمایید.

فصل ۶ فهرستی از ضروریات لازم را برای آنکه به جمع ۱۰ درصدی تریدرهای موفق بپیونددید، در اختیارتان قرار خواهد داد.

اولین هدف یک تریدر مبتدی باید این باشد که صرفاً «سرمایه خود را از دست ندهد!» و باید عمده توان و انرژی خود را بر «ضرر نکردن» متمرکز نماید!

ابزارهایی که در این مرحله بکارتان می آیند، عبارتند از: «روش تحلیلی Single Bar Analysis»، «حجم»، «روندها»، «اندیکاتور MFI که واکنش بازار را به تزریق حجم نقدینگی جدید نشان می دهد»، «روش ترید چهار پنجره ای»،

و سرانجام «روش ترمز خطر Air bag» برای محافظت در برابر حرکت های شلاقی مارکت.

در فصل ۷ گام را فراتر گذاشته و شروع به کسب سودی مداوم و مستمر ولی صرفاً با حداقل حجم معاملاتی، خواهیم نمود.

(البته گروهی از خوانندگان من که در خاورمیانه و در کشوری زندگی می کنند که -اول اسم آن الف و آخرش نون است- مرتباً برای من نامه میفرستند و تاکید می کنند که: ما همه این مباحث را بلد هستیم و لطفاً یک راست بروید سراغ همین فصل ۷ ... !!!

و مرتباً از من درخواست میکنند که: لطفاً ۶ فصل اول کتابتان را بریزید در سطل آشغال، و یک کتاب ویژه ما مردم کشور «الف-نون» چاپ کنید که همچین ی ی ی هو و و و (!!)) از فصل ۷ شروع شود!

اما من همواره به ایشان گوشزد می کنم که: آخر عزیزان ساده دل من! مگر خون شما چقدر پررنگ تر از سایر اقوام و ملل است که آنها این همه سایت و کتاب و کلاس و استاد و نشریه و کارگزار و مشاور و غیره دارند ولی بازهم اگر به ۲۰ پیپ در روز برسند نه تنها راضی هستند بلکه آن را سودآوری عجیب و خارق العاده خود می دانند!

ولی شما ها اگر پوزیشنتان ۲۰۰ پیپ هم در سود برود و بعد برگردد استاپتان را بزند تازه کلی هم عصبانی میشوید که: ای بابا! باز من پوزیشن ام را با سود کم نبستم (!!)) و این بازار برگشت استاپم را زد!!!!

خلاصه اینکه ای قوم عزیز! شما هم باید مانند سایر خوانندگان من در بقیه دنیا، کتاب را از همینجا شروع کنید و قدم به قدم جلو بروید تا شاید یه هفت هشت سال دیگر، اگر هنوز تمام سرمایه و داروندارتون رو نابود نکرده باشین ، به فصل ۷ هم برسید و و همین دیگه! می رسید !!

و اما ادامه فصل ۷:

مهمترین ابزاری که در این فصل به شما معرفی می‌گردد «امواج الیوت» خواهد بود. با استفاده از MACD ما قادر خواهیم بود تا امواج الیوت را به سادگی بشماریم و در هر لحظه بدانیم که بازار اکنون در کجا قرار گرفته و محتمل‌ترین مقصد بعدی آن کدام سمت خواهد بود.

در فصل ۸ به شما نحوه استفاده از فراکتال‌ها و لوریج را (leverage) را می‌آموزیم.

با استفاده از این دو شما قادر می‌گردید تا بروی «زیرساخت مارکت» ترید کنید. زیرساخت‌های امواج الیوت، که به شما این توانایی را می‌بخشد که به ترید درون امواج الیوت بپردازید، حتی درشرایطی که به درستی نمی‌دانید که دقیقاً درون کدامیک از امواج الیوت قرار دارید.

همچنین این توانایی را بدست خواهید آورد که در هر دو نوع بازار «رنج» و «ترند» به فعالیت بپردازید. (مترجم: فنانده گرامی: ترند یعنی رونددار یعنی حرکت قدرتمند بازار به یک سمت. اما رنج یعنی یعنی هی برو بالا هی بیا پایین!)

فصل ۹ شما را تا بالاترین حد رقابت، ارتقاء می‌بخشد. هدف شما در این مرحله پیشینه کردن سود و «نرخ بازگشت سرمایه ROI»، بوسیله تغییر حجم درگیر معاملاتتان خواهد بود. شما قادر خواهید بود تا هر بازدهی را که قبلاً بدست آورده بودید، به سادگی دو برابر یا چندبرابر سازید.

تریدینگ برنامه ریزی شده سودآور Profitunity Planned Trading این اجازه را می‌دهد تا تاکتیک کسب سود شما، توسط خود مارکت تعیین گردد.

در فصل ۱۰ تمام آنچه را که در ۹ فصل قبل آموختید، به صورت یک استراتژی تحلیلی جامع به نام «بسته تحلیلی ۱۰ ثانیه‌ای» و یا «10-Second Analysis Package»، بسته بندی میکند.

شما چک لیست ساده‌ای را برای خود تهیه خواهید کرد که قبل از اجراء کردن هر تصمیمی در مورد اینکه چه وقت و چگونه وارد بازار گردید، ابتدا مطمئن شوید که آیا تمام نکات، شرایط و اطلاعات لازم را بررسی کرده اید یا خیر؟

در این مرحله شما به سقف ۲ درصدی تریدرهای سوپر حرفه‌ای بازار، وارد شده اید.

در فصل ۱۱ چشم انداز کاملاً جدیدی را در مقابلتان خواهیم گشود.

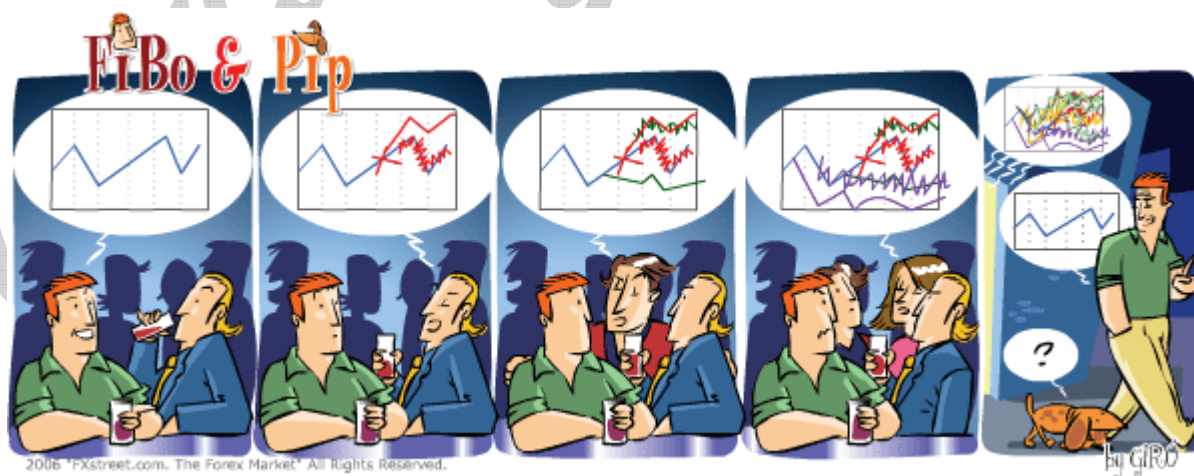
ما در فصلهای ۶ تا ۱۰ به زیرساختهای مارکت پرداختیم. در فصل ۱۱ شروع به بررسی زیر ساختهای شخصی خودتان نموده ایم، که شما را به مرحله چهارم می رسانند. ما در ابتدا ساختار منحصر بفرد خود شما را بررسی می کنیم، ساختار بدنی شما را و اینکه چگونه این ساختار شخصی بر دیدگاه شما نسبت به بازار، و حتی نسبت به کل جهان بینی شما، تأثیر می گذارد.

سپس ما نگاهی جدی به «سیم کشی!» مغز انسان خواهیم نمود، تا بفهمیم که از سه تریدری که در درون هر کس زندگی میکنند، در هر لحظه مشخص، کدام یک باید کنترل اوضاع را در دست بگیرند.

هنگامی که شما همه این فاکتورها را در کنار هم با زیرساختهای مارکت، قرار دهید، موفقیت تبدیل به «مسیر حداقل انرژی» می گردد و برنده شدن در مارکت، اجتناب ناپذیر خواهد بود.

فصل ۱۲ شما را به قله تریدینگ می رساند، جاییکه هدف اولیه شما از ترید کردن این است که «خودتان را بهتر بشناسید.»

شما یاد خواهید گرفت که چگونه ترید کردن را برای خود در یک جایگاه روانشناسی «بدون ریسک» قرار دهید. این دیدگاه ترید کردن را برای شما تبدیل به یک شغل جذاب، مفرح، و بدون استرس خواهد نمود.



YOUR MARKET ANIMAL

حیوان بازار شما



به نظر شما مارکت شبیه کدام حیوان است؟
یکی از جذابیت های مورد علاقه من در زندگی ام، همواره «فیزیک» بوده است. و بویژه بیوگرافی های بسیاری را راجع به انشتین مطالعه کرده ام.

داستانی که برایتان نقل می کنم برای من یکی از جالب ترین داستانهای انشتین بوده است:

چندی پیش از مرگ انشتین، این دانشمند که متوجه شده بود وقت زیادی تا پایان عمر پر ثمرش باقی نمانده است، نامه ای را برای تمامی دانش آموزان سابق اش، اساتید و هم دانشگاهی هایش، و بسیاری از دوستانش ارسال نمود، و در این نامه چنین نوشت که او تصمیم گرفته است تا آخرین سخنرانی خود را با ایشان در دانشگاه پریستون برگزار کند.

انشتین در این نامه نوشته بود که او قصد دارد در این سخنرانی به هر گونه سئوالی که هر کدام از مخاطبان دارد، پاسخ دهد.

هر گونه سئوالی اعم از مسایل فیزیکی گرفته تا فعالیت های شخصی اش، زندگی زناشویی اش، ... و دیدگاه وی نسبت به آینده.

او قول داده بود که به هر سئوالی که در این مصاحبه از وی پرسیده شود پاسخ خواهد داد، چه سئوالی خصوصی باشد و چه سئوالی علمی.

حدود سیصد نفر به این سخنرانی دعوت شده اند. آنها متوجه شده اند که احتمالاً انرژی و توان این پیرمرد، به دلیل کهولت سن اش، رو به نزول است.

بنابراین تصمیم گرفتند که سه روز قبل از آغاز سخنرانی، دور هم جمع شوند تا سؤال هایشان را با یکدیگر هماهنگ کنند تا اولاً- این پیرمرد نابغه را بیش از حد خسته نکنند.

و دوماً- مطمئن شوند که از این فرصت حداکثر استفاده را نموده و مهمترین سؤال های ممکن را مطرح نموده اند.

آنها هتلی را در پرستون برای اقامت برگزیدند. و در دو روز و نیم نخست، ایشان صرفاً سؤالهایشان را با یکدیگر مطرح کردند تا مشخص کنند که کدام سؤال ها مهمتر اند و باید ابتدا پرسیده شوند.

اما پس از گذشت دو روز و نیم هنوز به توافقی قطعی نرسیده بودند.

در بعدازظهر روز سوم، یکی از دانشمندان برجسته از اروپا، به سایرین پیشنهاد کرد که با توجه به اینکه نمی توانیم با هم به توافق برسیم که کدام سؤال ها مهمترین سؤال های ما هستند، بهتر است با خود پیرمرد در میان بگذارند که به نظر وی کدام سؤال مهمترین سؤال ایشان است. تا پروفیسور انشتین با سلیقه خود مهمترین سؤال را انتخاب نموده و ابتدا همان را پاسخ دهد.

این اختلاف نظرهای حضار را برطرف کرد و همگی آنها به یک توافق کلی دست یافتند. اغلب مخاطبین حدس می زند که انشتین احتمالاً پرسشی را درباره مهمترین مشغله ذهنی آن زمانش، یعنی تئوری وحدت کیهانی یا «The Unified Field Theory» انتخاب خواهد نمود.

صبح روز بعد، انشتین روی صحنه سخنرانی رفته و پشت تریبون بروی صندلی چوبی خود می نشیند. مجری برنامه از حضار تقاضای سکوت میکند و توافق عمومی شرکت کنندگان را به انشتین اطلاع می دهد:

جناب آقای دکتر انشتین، اولین سؤالی که ما تقاضا داریم به آن پاسخ دهید این است که: به نظر شما مهمترین سؤالی که ما امروز می توانیم از شما پرسیم چه سؤالی است؟!

انشتین بدون درنگ پاسخ می دهد که:

مهمترین سؤالی که شما همواره باید پرسید این است که:

آیا یورو به یین را بای باید کرد ...؟؟!!!!

(ها .. ها ... ها ... !!!)

شوفلو کردم !! با فوردین ها ... !!!؟

جان؟! چی؟ من بی مزه ام ...؟!؟

آفه ... فیلی فوب بابا ... چون معنی این جمله رو نفهمیدم ،

عینا براتون می نویسم لطفا فودتون زمت تفسیر و ترجمه اش رو بکشین.

Is the Universe a friendly place?

من فکر می کنم که معنی اش اینطوری میشه که : «آیا دنیا مکان امن و مناسبی برای زندگی کردن است؟»

- و اما ادامه داستان:

این پاسخی نبود که حضار انتظار آن را داشته باشند.

ولی قطعاً مهمترین سئوالی است که ما همواره باید از خود بپرسیم.

قبلاً در اوایل فصل سئوالی را مطرح کردیم که «به نظر

شما مارکت شبیه کدام حیوان است؟»

-کدام حیوان است که رفتار و خصایص آن بیشتر شما را

به یاد ویژگیهای مارکت می اندازد؟

-آیا این حیوان موجودی اهلی و آرام است؟

-آیا حیوانی دست آموز و دوست داشتنی است؟

-آیا حیوانی صمیمی است یا حیوانی ترسناک و خطرناک

است؟



بگذارید کمی مشخص تر سئوال کنم:

آیا برای شما، مارکت مکان امنی به نظرتان می آید؟

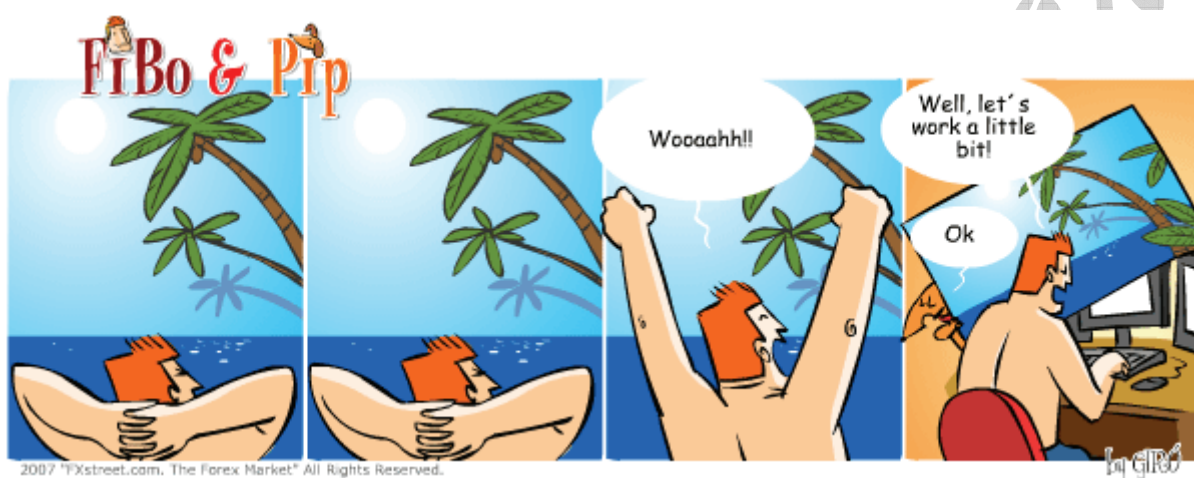
اگر پاسختان خیر است، به خواندن مطالب این کتاب ادامه دهید.

و روش کسب سود در این بازار را بیاموزید.

و مشاهده کنید که چگونه مارکت برایتان تبدیل به مکانی امن و مطمئن، و مفرح می گردد.

من هدف نهایی این کتاب را بدین صورت جمع بندی می کنم که:
شما باید بیاموزید که چگونه مارکت را تبدیل به مکانی امن ، مطمئن و مناسب نمایید،
مکانی مفرح و دوست داشتنی که از کار کردن در آن لذت ببرید،
و در غیر اینصورت قطعاً تحمل فشار، تنش و اضطراب و استرس ناشی از این شغل را نخواهید داشت.

اکنون سفر خود را به قله های مرتفع ترید کردن، آغاز نماییم.
سودآوری، زمانبندی، و مدیریت مالی، نردبان صعود ما خواهند بود.



خوانندگان عزیز که علاقمند به دریافت فصول بعدی کتاب هستند می توانند
پس از واریز مبلغ اختیاری حداقل ۵ هزار تومان تحت عنوان حمایت و همیاری داوطلبانه از
«نهضت ترجمه کتابها و منابع فارکس»

به یکی از حسابهای بانکی زیر ، شماره فیش خود را به آدرس ایمیل pshootan@yahoo.com ارسال
نموده و درخواست خود را جهت دریافت ادامه کتاب ، اعلام بفرمایند.

- (۱) بانک سپه - شعبه فلسطین جنوبی کد ۲۶۸ - شماره حساب ۳۸۱۵۱۱ - بنام پشوتن مشهوری نژاد
- (۲) بانک سامان - شعبه بورس - شماره حساب ۱-۲۶۵۹۵۱-۸۰۰-۸۴۹ - بنام پشوتن مشهوری نژاد

امیدواریم که با کمک و حمایت شما دوستان عزیز بتوانیم ، برای اولین بار در ایران ، سایر کتب و منابع
اصلی فارکس را نیز به زبان فارسی و با کیفیت مطلوب ، مهیا نموده و خدمتتان ارایه نماییم.